

تذکر این کتاب توسط مؤسسه فرهنگی - اسلامی شبکه الامامین الحسنین .
علیهما السلام بصورت الکترونیکی برای مخاطبین گرامی منتشر شده است.
لازم به ذکر است تصحیح اشتباهات تایپی احتمالی، روی این کتاب انجام
گردیده است.

نشانی بهشت

چهل درس زندگی از نگاه ائمه علیهم السلام

نویسنده: حسین علوی مهر .

..

تقديم به ساحت مقدس امام رؤف و پناهگاه همه شيحيان امام هشتم على بن
موسى الرضا عليه السلام عليه آالف التحيه والثناء

مقدمه

اهل بیت علیهم السلام گنجوران دانش اند. رودها و جویبارهای دانش که

مزرعه ی جان انسان را در چهارده قرن اخیر سیراب و شاداب ساخته

است، از بلندای قامت آسمانی این کوه نور، سرچشمه می گیرد. امام

عالمان و عارفان علی علیه السلام فرمود: «ینحدر عنی السیل و لا یرقی

الی الطیر» آبادانی و شادابی دیار علم و آگاهی؛ از تلالو فروزنده ی

دانش این خاندان است که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «انا مدینه العلم و علی

بابها.»

دانش اهل بیت علیهم السلام از جنس دریافتنی است نه آموختنی،

علم حضوری است نه حصولی و این از آن جهت است که

آنان حقیقت علم را با جان آسمانی خویش دریافته اند. حضرت علی

علیه السلام در وصف عارفان که خود آن حضرت مولای آنان

است (فرمود: «هجم بهم العلم على حقيقه البصيره و باشروا روح اليقين.»

پیامبر اعظم ﷺ سرسلسله ی این خاندان نور و روشنایی، هر چند

که خود درس ناخوانده و مکتب نرفته بود، اما پیام و رسالت او،

تلاوت و خواندن، آموختن و فرا گرفتن و علم و آگاهی بود.

رسالت او با «اقرء» آغاز شد و با دانش و بینش که جان های شیفته

را سرشار می کرد، تداوم یافت. (هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ)

او با رسالت خویش، جان های مرده را از مرداب روزمرگی

و ضلالت ها تا باغستان بهشتی حیات و زندگی، رهنمون شد

و انسان اسیر در کژراهه ها و یرت گاه های تباهی را به شاهراه

نشانی بهشت هدایت و صراط مستقیم فرا خواند و در تن مرده ی آدمیت

روحي دوباره دمید: (إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ) و بار گران جهل و نادانی را

از دوش آنان فرو نهاد (وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ)

و خاندان آن حضرت نیز که از چشمه ی حیات او سیراب بودند؛
همانند آن بزرگ، خورشید دانش و آگاهی را در گذرگاه اعصار فرا راه
جویندگان دانش و بصیرت، تابان و فروزان نگه داشتند و با بهره مندی
از انوار الهی او، مسیر پویندگان را روشن و جان جویندگان را
تابناک و سرشار ساختند.

و امروز در عصر جاهلیت مدرن نیز، آنچه غبار راه انسان کمال
جوی را فرو می نشاند و راه او را می تواند روشن کند بهره گیری
و بازگشت به سرچشمه ی همان دانش و بصیرتی است که پیامبر
اعظم و خاندان پاک و مطهر او علیهم السلام به انسان هدیه کردند و شاید
امروز بیش از هر روز و روزگاری، انسان به آنچه پیامبر رحمت
و آگاهی برای بشریت به ارمغان آورده نیازمند و محتاج باشد.

بی تردید کاوش در سرچشمه های نور اهل بیت علیهم السلام و

بازخوانی سیره و آموزه های آن بزرگواران در روزگار ما مانند

همه ی روزگاران خدمتی بزرگ به انسانیت است خدمتی که

فراتر از آن، خدمتی متصور نیست و از این روی بر تمامی کسانی

که دل آنان برای انسان می تپد فرض است که با ژرف اندیشی و

ژرف کاوی در معارف اهل بیت علیهم السلام گوهرهای ناب و آموزه های

رهایی بخش این گنجینه ی عظیم و الهی را استخراج کنند و به

بشر تشنه و جگر سوخته ی عصر حاضر ارائه نمایند.

بر حسب وظیفه در جوار بارگاه عالم آل محمد صلی الله علیه و آله برای

تمامی رهروان این راه و تمامی کسانی که در مسیر احیای امر

اهل بیت علیهم السلام و تعلیم و تعلم معارف و علوم این خاندان مطهر

تلاش و کوشش می کنند به ویژه اساتید بزرگوار و گرانمایه‌ی

که در تالیف و تنظیم این مجموعه‌ی ارزشمند نقش داشته اند

طلب سلامتی و بهروزی می کنیم و توفیق آنان را از درگاه حیّ علییم
خواستاریم.

از زایران عزیز نیز می خواهیم نعمت بین ظیر زیارت پاره‌ی

تن رسول الله ﷺ را با بهره گیری از اندیشه، کلام و سیره‌ی آن امام

همام به فرصتی برای تامین نیازهای معنوی و فکری خود تبدیل نمایند

و با مطالعه‌ی آثار ارزشمندی مانند این مجموعه، توشه‌های سعادت و

کمال را برای دنیا و آخرت خود بگیرند و خدمتگزاران خود، در این

آستان مقدس را نیز از دعا فراموش نکنند.

معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی

آستان قدس رضوی

پیشگفتار

سخنان اهل بیت علیهم السلام پس از قرآن مهم ترین منبع دینی به شمار می رود. قرآن و سنت دو یادگار گران بهای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم برای ما مسلمانان است که پیروی از آنها مانع گمراهی و ضلالت خواهد بود. این احادیث که زوایای پنهان فراوان دارد دنیای بزرگی از دانش و معرفت برای بشریت به همراه دارد و هر جمله کوتاه آن درس بزرگی برای ما انسان ها خواهد بود. بدون تردید این سخنان می تواند سرمشق و راهنمای خوبی در زندگی باشد و اهمیت آن وقتی روشن می شود که آن را در متن زندگی پیاده کنیم و به آنها عمل نماییم.

نوشتاری که در پیش رو دارید گلچینی از احادیث امام هشتم علی بن موسی الرضا علیه السلام است که در مجموع چهل حدیث و درس زندگی است، این احادیث در موضوعات متنوعی از جمله دین شناسی، عقاید، زندگی و رفتار با خانواده، اخلاق فردی و اجتماعی، احکام و فلسفه آن با شرح کوتاهی مورد بحث قرار گرفته است.

از خداوند متعال خواهانیم که با مطالعه این سخنان و عمل به آنها رابطه ی ما را با امام رضا علیه السلام بیشتر نموده، زیارتش را در دنیا و شفاعتش را در آخرت نصیب همه ما بگرداند.

در آخر از همه کسانی که در پدید آوردن این مجموعه همکاری داشته اند تقدیر و تشکر می شود.

آمین یا ربّ العالمین

قم

حسین علوی مهر

دین و دین داری

اشاره

ایمان

امام رضا علیه السلام فرمود: «الایمانُ عَقْدُ بِالْقَلْبِ وَ لَفْظُ بِاللِّسَانِ وَ عَمَلٌ بِالْجَوَارِحِ وَ لَا یَكُونُ الْإِیْمَانُ إِلَّا هَكَذَا»⁽¹⁾.

ایمان اعتقاد قلبی و جاری کردن آن بر زبان و عمل با اعضای بدن است و تحقق ایمان جز این نمی باشد.

شرح: طبق این روایت ایمان دارای سه شاخصه است اعتقاد قلبی در مسائل اعتقادی، جاری کردن شهادتین بر زبان و عمل کردن به فرامین الهی، هر کدام از این موارد نباشد ایمان شخص دارای اشکال است. با توجه به آیات قرآن و روایات اسلامی علم و یقین به اعتقادات و مسائل دینی برای ایمان داشتن کافی نیست. حتی اگر کسی شهادتین را بر زبان جاری کرد و قلباً معتقد به وجود خدا و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و قرآن کریم و کتاب های آسمانی دیگر و آخرت باشد، اما عمل به دین نکند، نماز نخواند، روزه نگیرد و اعمال جوارحی را انجام ندهد، ایمان چنین شخصی نیز صحیح نیست، برای تحقق ایمان غیر از علم و یقین و اعتقاد قلبی و شهادتین، تسلیم در برابر خداوند و اجرای تمام فرمان هایی که او داده است لازم می باشد و منظور تسلیم شدن در ظاهر و باطن در برابر حق و فرمان های او است به همین جهت قرآن هر جا مسأله ی ایمان را مطرح می کند در کنار آن عمل صالح را نیز بیان می نماید یعنی ایمان باید عمل صالح به دنبال

داشته باشد، در آیات قرآن حدود 70 بار ایمان را مطرح کرده و در کنار آن

عمل

1- . عیون اخبارالرضا علیهم السلام ، ج 2، ص 20.

صالح نیز آمده است.⁽¹⁾

قرآن کریم عده ای را معرفی می کند که (وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا)⁽²⁾ «...» یقین و معرفت به دین داشته اما باز هم کافرند و دین را انکار می کنند زیرا تسلیم خداوند نیستند و عمل صالح نسبت به دین ندارند. اباصلت از اصحاب امام هشتم علیه السلام درباره ایمان از آن حضرت سؤال می کند؟ حضرت می فرماید: ایمان با سه چیز تحقق پیدا می کند، یکی اعتقاد قلبی (به خدا، نبوت، معاد و ...) و گفتار زبانی (شهادتین) و عمل کردن با جوارح و اگر کسی این سه را نداشته باشد ایمان ندارد.

1- از جمله بقره/25، 82، 277، آل عمران/57، نساء/57، 122، 173، مائده /9 و 93 و ... ر

ک؛ معجم.

2- نمل/14

حقیقت ایمان

امام علی بن موسی الرضا علیه السلام می فرماید: «لَا يَسْتَكْمِلُ عَبْدٌ حَقِيقَةَ الْإِيمَانِ حَتَّى يَكُونَ فِيهِ خِصَالٌ ثَلَاثٌ: التَّفَقُّهُ فِي الدِّينِ وَحُسْنُ التَّقْدِيرِ فِي الْمَعِيشَةِ وَالصَّبْرُ عَلَى الرَّزِيَا»⁽¹⁾.

هیچ بنده ای به حقیقت ایمان نمی رسد مگر این که دارای سه ویژگی باشد: شناخت در دین، برنامه ریزی صحیح در زندگی، شکیبایی بر سختی ها و ناگواری های زندگی.

شرح: در این حدیث امام رضا علیه السلام سه برنامه زندگی برای رسیدن به حقیقت ایمان بیان می فرماید:

شناخت در دین: اسلام مسلمانی می خواهد که نسبت به دین خود آشنا و آگاه باشد، مسلمان و مؤمن آگاه، به گرد گناه نمی رود، شبهات در او تأثیر ندارد، انحرافات فکری ایمان او را سست نمی کند اما انسان جاهل زود آسیب می پذیرد و بر اثر کارهای جاهلانه هم به خود و هم به دین خود آسیب می زند، فریب می خورد، ظواهر و تبلیغات به سرعت در او تأثیر می گذارند. مسلمان باید اوقاتی از زندگی خود را به آشنایی با مسائل دین بپردازد، تا جایی که برخی از علماء آموختن پاره ای از مسائل دینی را واجب دانسته اند. آموختن بخشی از دین از جمله معرفت خدا و اعتقادات واجب عینی و بخشی دیگر مانند احکام نماز و

1- . تحف العقول، ص 525، بحارالانوار، ج 78، ص 339 و مسند الامام الرضا عليه السلام ، ج 1، ص 285. برخی دانشمندان از روایت «طلب العلم فريضة على كل مسلم و مسلمة» نیز همین استفاده را کرده اند که بعضی علم ها از علوم دینی واجب نفسی یا عینی است و بر هر فردی واجب است و برخی دیگر به عنوان مقدمه ی واجب، واجب می شود. ر.ک: استاد مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، ص 30-32.

روزه واجب مقدّمی است یعنی به عنوان مقدمه یک عمل واجب مانند نماز و روزه، آموختن احکام آن واجب است، علت آن هم روشن است زیرا وقتی یک عمل صحیح و درست انجام می شود که آگاهی کامل به احکام و جزئیات آن باشد.

برنامه ریزی صحیح در زندگی و مخارج آن: انسان مسلمان باید در هزینه زندگی برنامه ریزی خوب داشته باشد. هزینه زندگی را با نیازهای خود و خانواده تنظیم کند و بهترین راه میانه روی و اعتدال در مخارج زندگی است. نباید آن قدر در هزینه و مصرف باز عمل کند که نیازمند مردم شود و نه دست تنگ باشد که در صورت برخورداری از هزینه حاضر نیست برای خانواده اش غذا و لباس مناسب تهیه کند و برای مصرف کردن خست و گرفتگی دارد، در هر صورت موفقیت در زندگی معتدل بودن در امور اقتصادی نه راه تجمل گرایان دنیاپرست را داشته باشد که به اسراف و تبذیر و ریخت و پاش ها مبتلا شود و نه راه ترک کنندگان نعمت های دنیا.

استفاده از ثروت و زیبایی های دنیا حرام نیست بلکه غذای خوب، لباس خوب، زندگی خوب که از راه حلال باشد برای مؤمنان ممنوع نیست، بلکه مطلوب می باشد.

شکیبایی و استقامت: از مهم ترین پایه های ایمان شکیبایی و استقامت در برابر سختی ها است تا جایی که در روایات، تشبیه به سر برای بدن شده است⁽¹⁾. راه رسیدن به کمال و بالاترین درجات معنوی لایه لای مشکلات و ناگواری های زندگی و صبر در برابر آنهاست⁽²⁾. برای رسیدن به حق باید شکیبا بود اگر چه تلخ باشد،

1- . کافی، ج 2، 89 و 90.

2- . امام باقر علیه السلام می فرماید: بهشت با سختی ها و صبر پیچیده شده است، کسی که بر سختی های زندگی در دنیا شکیبیا باشد، وارد بهشت می شود، کافی، همان.

در برابر عبادت ها و اطاعت ها، در برابر مصیبت ها و در برابر ترک گناه و معصیت ها باید همیشه شکیبایی را پیشه کرد.

ناگواری های زندگی گاهی در اختیار خود انسان نیست بلکه خداوند برای آزمایش، مؤمن را به مشکلات و سختی ها مبتلا می کند.

اما برخی مشکلات معلول کردارهای خود انسان است مانند این که از پول خود محافظت نمی کند، گرفتار سرقت می شود، بهداشت رعایت نمی کند، مریض می شود، قوانین رانندگی را رعایت نمی کند، تصادف می کند، کسب و تجارت را دقیق انجام نمی دهد، گرفتار زیان و خسارت می شود، گاهی به دنبال آرزو، هوا، هوس و گناه، است، خود را به گرفتاری می اندازد، و آسیب بزرگی در زندگی می بیند.

آثار پیش آمده از این امور اگر چه خود نیازمند صبر مضاعف است اما انسان باید متوجه باشد که مشکلات پدیدآمده معلول عملکرد خود انسان است، نه این که بگوییم خداوند خواسته یا شانس من این چنین است....

عمل بدون بینش

امام رضا علیه السلام می فرماید: «العامل علی غیر بصیره کالسائر علی غیر الطریق لایزیده سرعه السیر الا بعداً عن الطریق»⁽¹⁾. آن کس که بدون بینش کاری را انجام دهد همانند کسی است که بیراهه می رود، هر چه سریع تر حرکت کند از راه صحیح دورتر می شود.

شرح: کارهای باشتاب، بدون دقت و برنامه ریزی قبلی فرجام خوبی ندارند. پس از انجام کار روشن می شود که خطاهای زیادی در آن وجود دارد که ممکن است برخی قابل جبران نباشد یا به سختی جبران شود. انسان باید در کارهای مهم زندگی همانند خرید خانه، ماشین، ازدواج، انتخاب شغل و ... دقت و بینش کافی به خرج دهد، بینش رمز موضع گیری سالم و اصولی است. بینش ضریب خطا را در کارها کاهش می دهد، بینش مانع غافلگیر شدن خواهد بود. به عنوان مثال یکی از مهم ترین برنامه های زندگی ازدواج است. ازدواج و انتخاب شریک برای زندگی باید با تفحص، آگاهی و بینش باشد اگر یک دختر باشتاب و به محض دیدن یک جوان در خیابان با ردوبدل کردن الفاظ زیبا و دلفریب فریفته او شود و تن به ازدواج دهد، راهی انحرافی رفته است به زودی زندگی که می توانست شیرین و گوارا باشد به تلخی و ناکامی منجر می شود و نیز مانند کسی که پایه ساختمانی را کج یا ضعیف بنا نهد هر چه این بنا بالاتر رود ضرر و خرابی آن بیشتر خواهد شد.

1- . کلینی، اصول کافی، ج 1، ص 44، فقهارضا علیه السلام ، ص 381، بحارالانوار، ج 1، ص 206.

خشت اول چون نهد معمار کج تا ثریا می رود دیوار کج
اصولاً رشد واقعی و کمال نهایی در این است که کارهای انسان از دانش و
بینش برخوردار باشد، درست بشناسد و درست عمل کند، زیرا کارهای شتابزده
همواره با اشتباه و خطا همراه است در نهایت انسان باید با پوزش، عذرخواهی
به اصلاحات پیش بینی نشده بپردازد.

عقاید

توحید و شرک

امام رضا علیه السلام فرمود: «من شَبَّهَ اللهُ تعالی بِخَلْقِهِ فَهُوَ مُشْرِكٌ و مَنْ نَسَبَ الیهَ مَا نَهَى عَنْهُ فَهُوَ کَافِرٌ»⁽¹⁾. کسی که خداوند را به مخلوقاتش تشبیه کند مشرک و کسی که صفات ناقص و نهی شده به خداوند نسبت دهد کافر است.»

شرح: یکی از پایه های اصلی توحید، در صفات، بی مانندی خداوند است، یعنی خداوند شبیه و مثل ندارد و نمی توان او را به چیزی تشبیه کرد. خداوند از هر نظر نامحدود و بی پایان است و هر چه غیر خداست از هر نظر، حیات، علم، قدرت، احاطه، ... محدود و متناهی است. در نتیجه نمی توان خدا را در صفاتش به هیچ موجودی تشبیه کرد و هر گونه تشبیه و تمثیل برای خداوند، محدود ساختن او است و مایه ی بُعد و دوری از شناخت حقیقی خداوند خواهد شد زیرا به جای آن که خدا را بشناسیم موجود دیگری که ناقص تر از اوست در نظر گرفته ایم و این جا است که گفته اند: یکی از خطرناک ترین پرتگاه هایی که در راه شناخت صفات خداوند وجود دارد پرتگاه تشبیه است یعنی خدا را در وصفی از اوصاف شبیه انسان با مخلوقاتش بدانیم، این سبب می شود که انسان به درّه شرک سقوط کند، به همین جهت است که مشرکان عصر جاهلی تصور می کردند که خداوند مانند یک پادشاه بزرگ است و نمی توان به او

دسترسی پیدا کرد که وزرا و نزدیکان پادشاه به سراغ او می روند ولی توده
مردم دسترسی به خود پادشاه ندارند و باید به سراغ مقربان او بروند، به همین

1- . شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام ، ج 2، ص 105.

جهت بتی را می ساختند تا آن ها مقربان درگاه خداوند باشند و این بارزترین مصداق شرک است، لذا امام هشتم علیه السلام در روایت فوق هشدار می دهد، هر کسی خداوند را به مخلوقات تشبیه کند مشرک است و قرآن نیز مرتب تذکر می دهد که «لیس کمثله شیء»⁽¹⁾، (وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ)⁽²⁾، خداوند همتا و مانندی ندارد. حتی در آن جایی که ناچار می شویم خداوند را به نور و مانند آن تشبیه کنیم باید توجه داشته باشیم که این گونه تشبیهات ناقص و نارسا است و تنها از یک جنبه قابل قبول است نه از تمام جهات. از طرف دیگر خداوند از هر عیب و نقص و عوارض و صفات ممکنات پاک و منزّه است، در نتیجه صفاتی مانند جسمانیت، اعضا، جوارح، ترکیب، مکان، زمان، تغییر، دگرگونی و ... نمی توان به خداوند نسبت داد، کوه فکران اوصاف ناشایستی برای خدا قایل شدند و به درّه ی کفر سقوط کردند، گاهی برای خدا فرزند قایل می شدند، گاهی عیسی را پسر خدا می شمردند، گاه فرشتگان را دختر خدا می نامیدند، گاه میان خدا و طایفه ی جن رابطه خویشاوندی برقرار می ساختند، گاه بتها را همتا و شریک خدا قرار می دادند و گاه برای خداوند اوصافی مانند موجودات و یا اجسام معتقد بودند اما طبق آیات قرآن و آموزه های اهل بیت علیهم السلام همه این اوصاف از ذات مقدس خداوند منتفی است⁽³⁾ او دارای کمال مطلق است، مثل و مانندی برای او نیست، بی نیاز است و امام هشتم علیه السلام می فرماید: هر گونه توصیف مخلوقات یا وصف منفی به خداوند نسبت داده شود منجر به کفر می شود.

1- . توحید/ 4.

2- . رک: مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج 11، 324.

3- . برای این قسمت از پیام قرآن، ج 4، ص 215-216، بهره برده ایم.

(سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ)⁽¹⁾ خداوند برتر از هر گونه توصیف، توصیف
کنندگان است، بنابراین مسلمان موحد نباید خداوند را به چیزی تشبیه کند یا
صفتی از صفات مخلوقات را به او نسبت دهد و بهترین راهنما برای فهم اوصاف
خداوند بهره گرفتن از آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام می باشد.

1- . مؤمنون/91.

شناخت آغاز پرستش

امام رضا علیه السلام فرمود: «أَوَّلُ عِبَادَةِ اللَّهِ مَعْرِفَتُهُ وَ أَوَّلُ مَعْرِفَةِ اللَّهِ تَوْحِيدُهُ»⁽¹⁾.
نخستین مرحله پرستش شناخت و معرفت خدا است و پایه معرفت خداوند،
توحید و یگانه دانستن او است.

شرح: عبادت و پرستش خداوند از مهم ترین اهداف آفرینش انسان است،
«ما جن و انسان را نیافریدیم مگر برای عبادت و پرستش»⁽²⁾ اما همواره دین
اسلام بر این نکته تأکید دارد که عبادت و پرستشی مفید است که همراه با
آگاهی و شناخت باشد. به همین جهت امام هشتم علیه السلام نخستین مرحله ی
پرستش را شناخت و معرفت خداوند می داند. شناخت و معرفت از مهم ترین
پایه های دینی به حساب می آید به گونه ای که در زمره مهم ترین واجبات
شمرده شده است، اسلام ضمن دعوت به فراگیری شناخت و علم آن را برای
بشر ضروری و لازم می داند و در آیات زیادی به آگاهی و شناخت نسبت به
صفات خداوند از جمله حکمت، علم، بصیرت، عزت، قدرت و صفات دیگر
پروردگار⁽³⁾ تأکید شده است. در برخی از آیات هدف آفرینش جهان را علم و
معرفت می داند⁽⁴⁾ اساساً بدون معرفت و علم اسرار هستی قابل درک نیست و
همین مسأله موجب امتیاز و برتری انسان بر سایر موجودات و کلید نجات
انسان شده است.

1- . عیون اخبار الرضا علیه السلام ، ج 1 / 12، میزان الحکمه، ج 6 / 12.

2- . ذاریات، 56.

3- . بقره/3، 209، 231، 233، حدید/17 و....

4- . طلاق/12

مطابق آیات قرآن کسانی که دارای علم و معرفت هستند در برابر خدا، خضوع و خشوع بیشتری دارند⁽¹⁾ و بیشتر به خاک مذلت می افتند و بر آستان دوست سجده می کنند و همین دانش و شناخت است که موجب خشیت و ترس حقیقی از خداوند خواهد شد. به همین جهت نخستین مرحله ی پرستش خدا شناخت و معرفت است. شناخت خداوند متعال راه های مختلفی دارد و به تعبیری «الطرق الی الله بعدد نفوس الخلائق» به تعداد خلائق راه به سوی خداوند وجود دارد، البته باید توجه داشت که ذات خداوند را نمی توان شناخت بلکه شناخت خدا از طریق شناخت صفاتی مانند قدرت، علم، حیات، حکمت، عدالت و ... است. این جهان هستی و موجوداتی که آفریده ی اوست همه نشان از قدرت، علم، حکمت و ... دارند به همین جهت، ما می توانیم از راه مخلوقات به خدای بزرگ پی ببریم و او را بشناسیم، می توانیم از راه نظام دقیق و حساب شده ای که بر عالم هستی حکمفرما است بفهمیم که نظم این جهان برگرفته از مبدایی قدرتمند و عالم است (برهان نظم)، می توانیم از راه دگرگونی دایمی که در جهان وجود دارد و همه چیز حتی درون انسان دارای حرکت و دگرگونی و تغییر است بفهمیم که نقطه ی ثابتی در این جهان وجود دارد که همه این دگرگونی ها و حرکات از آن جا سرچشمه می گیرد (برهان حرکت) می توانیم از راه نیازمندی و فقر عمومی موجودات جهان هستی و خود انسان متوجه شویم که یک منبع عظیم و بی نیاز که در ذات خود مستقل است وجود دارد که همه ی این وابسته ها بر او تکیه دارند

- 1 . فاطر/28.

(برهان فقر و غنا یا وجوب و امکان) و می توانیم از راه مخلوق و معلول بودن این جهان به طور سلسله وار، به یک علت اصلی برای هستی پی ببریم.
(برهان علت و معلول)

این ها راههایی است برای شناخت خداوند اما اساس همه این ها و یکی از مهم ترین صفات خدا، توحید و یگانگی او است که امام هشتم علیه السلام نیز به آن اشاره کرده است، زیرا:

اولاً: توحید زیربنای شناخت تمام صفات خدا است و هیچ یک از صفات بدون توجه به اصل توحید قابل درک نیست.

ثانیاً: زیربنای تمام ادیان آسمانی به ویژه قرآن کریم توحید است و غالب بحث های قرآن کریم که درباره ی وجود خدا است بر محور همین اصل دور می زند تا آن جا که برخی گمان کرده اند قرآن درباره اصل وجود خدا سخنی ندارد و همه درباره توحید است.

ثالثاً: تمام عقاید اسلامی، احکام، قوانین آن و مسائل اجتماعی، اخلاقی و عبادی از همین اصل سرچشمه می گیرد و سراسر قرآن بازتاب مسأله توحید است.

رابعاً: محور اصلی فعالیت پیامبران الهی نیز توحید و مبارزه با شرک بوده است.

از طرف دیگر این اصل ما را به وحدت و یگانگی جهان نیز می رساند که تمام جهان هستی یک واحد به هم پیوسته است که اگر چه اجزای متعددی دارد

اما تمام اجزایش در ارتباط با هم مورد مطالعه قرار می گیرند و همین وحدت جهان خود نشانه ای از وحدت او خواهد بود.

ایمان به خداوند یگانه، حلقه اتصال قلوب میلیون ها انسان می تواند باشد زیرا انسان ها می توانند با وجود اختلافات نژادی، جغرافیایی، قومی و زبانی، با چنگ انداختن به اصل توحید به هم پیوند خورده و جامعه ای نیرومند تشکیل دهند.

و این توحید است که درس خلوص نیت به انسان می دهد و می تواند با هر گونه ریا، شرک، هواپرستی، جاه پرستی، دنیاپرستی و شیطان پرستی به مبارزه برخیزد. به همین علت امام رضا علیه السلام در سخن خود اساس معرفت خدا را توحید می داند.

در نتیجه اصل توحید در همه جا ریشه داشته و در عقاید، اعمال و اخلاق فرد و جامعه تأثیر گذار خواهد بود. آری تنها خالق و معبود جهان هستی خداوند واحد و یگانه است که شریک ندارد (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ) و زیباترین شعار اسلام یعنی «لا اله الا الله» نیز همین مفهوم را می رساند.

در این جا به طور گذرا به اقسام توحید نیز اشاره می شود تا به خوبی سخن امام هشتم علیه السلام که اساس معرفت خدا را توحید معرفی کرده اند روشن گردد.

توحید دارای شاخه هایی است از جمله:

توحید در ذات: یعنی ذات پاک خدا هیچ گونه شبیه و مانندی ندارد و از هر جهت یکتا و بی همتا است.

توحید در صفات: یعنی همان طور که ذات خداوند ازلی و ابدی است صفاتش نیز ازلی و ابدی است و صفات خداوند عین ذات او است و چیزی زاید بر ذات او نمی باشد.

توحید در عبادت: که حساس ترین بخش توحید است یعنی جز او را نپرستیم و بر غیر او سر تسلیم فرود نیاوریم و سجده نکنیم.

توحید در خالقیت: یعنی سراسر جهان هستی فعل خدا و آفریده شده او هستند و به تعبیر دیگر آفریننده جهان یکی است.

توحید در ربوبیت: یعنی سرپرست و اداره کننده و مربی عالم هستی تنها خدا است. توحید در مالکیت: یعنی مالک حقیقی همه جهان حتی جهان آخرت ذات پاک خدا است و سایر مالکیت ها جنبه مجازی دارد.

توحید در قانونگذاری: یعنی حق تشریح و قانونگذاری مختص، خداوند متعال است، توحید در اطاعت: یعنی انسان های موحد تنها از خداوند پیروی می کنند و جان به فرمان او هستند.⁽¹⁾

البته یادآوری این نکته ضروری می نماید که خداوند در برخی موارد می تواند برخی از حقوق را به دیگری واگذار نماید مثلاً به پیامبرانش حق تشریح برخی از امور بدهد یا به انسان دستور دهد که از پیامبران نیز اطاعت کند و این با توحید حقیقی منافات ندارد.

1- جهت کسب اطلاع بیشتر رک: مکارم شیرازی، پیام قرآن، ج 2 و 3.

عبادت و تفکر

امام رضا علیه السلام فرمود: «لَيْسَتْ الْعِبَادَةُ كَثْرَةَ الصِّيَامِ وَالصَّلَاةِ وَأَمَّا الْعِبَادَةُ كَثْرَةُ التَّفَكُّرِ فِي أَمْرِ اللَّهِ»⁽¹⁾. عبادت، روزه و نماز زیاد نیست بلکه عبادت بسیار اندیشیدن در امر خداوند است.

شرح: یکی از موضوعات مهم دین اسلام دعوت به تفکر و اندیشه است که ارزشمند بلکه از بهترین عبادت‌ها نیز شمرده می‌شود و بهترین نوع آن اندیشه در امر خداوند است، اندیشه در مناظر زیبای آسمان‌ها، در وجود شگفت‌انگیز انسان، در نعمت‌های خداوند، در آفرینش موجودات روی زمین، حیوانات، گیاهان، دریاها، کوه‌ها، جنگل‌ها، شب و روز، که همه این‌ها ما را به شناخت آفریننده‌ای قدرتمند، حکیم، مدبر، زنده و ... می‌رساند و پس از چنین اندیشه‌ای است که انسان تسلیم آفریننده خود و گوش به فرمان وی می‌شود و در نتیجه نماز، روزه و عبادات دیگر را با شناخت انجام می‌دهد. به همین جهت امام هشتم علیه السلام روزه و نماز فراوان را عبادت حقیقی نمی‌داند. بلکه ما را به اصلی دعوت می‌کند که تمام فروع دین نتیجه آن خواهد بود و آن بسیار اندیشیدن در امر الهی است زیرا به وسیله‌ی آن مهم‌ترین اصل و پایه دین یعنی توحید با معرفت به ثمر می‌نشیند و در ادامه انسان بهترین معبود را برای خود انتخاب می‌کند.

در این روایت نکته‌های دیگری نیز قابل استفاده است:

1 - عبادت منحصر به نماز و روزه بسیار نیست بلکه عبادت

1- . تحف العقول، ص 802، وسائل الشیعه، ج 11، ص 154، بحارالانوار، ج 71، ص 322 و مانند این سخن از امام حسن عسکری علیه السلام در تحف العقول نیز نقل شده است.

کامل تفکر در کارهای خدا و آفرینش شگفت انگیز او است. که با آن متوجه می شود این جهان هستی عبث و بیهوده نیست و چنین عبادتی است که ارزشمند است⁽¹⁾.

2 - امام علیه السلام می خواهد که انسان ها اعمال عبادی خودشان را با آداب و شرایط و شناخت کامل انجام دهند، چه بسا عبادت های زیادی که ارزشی ندارد و آن در صورتی است که بدون معرفت و آگاهی به شرایط و کیفیت باشد.

3 - همین تفکر است که به زندگی انسان جهت مثبت می دهد، انسان را وادار می کند که از فرصت ها بهترین استفاده را بکند، با هدف و معنا زندگی کند، از سرنوشت گذشتگان پند بگیرد و به دنبال فساد و پوچی نرود و در نهایت زندگی آخرت خود را نیز تأمین کند.

اما خیال پردازی درباره کارهای بیهوده، فاسد و گناه آلود، اولاً آن را نمی توان تفکر و اندیشه نامید، ثانیاً اگر تفکر بنامیم، تفکر باطل و وسوسه های شیطان است که اگر شدت پیدا کند انسان را آلوده به گناه خواهد کرد.

1- ر. ک، علامه مجلسی، بحارالانوار، همان

حسن ظن به خدا

امام رضا علیه السلام فرمود: «أَحْسِنِ بِاللَّهِ الظَّنَّ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ: أَنَا عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِي إِنْ خَيْرًا فَخَيْرٌ وَإِنْ شَرًّا فَشَرٌّ»⁽¹⁾: به خداوند گمان نیک ببر زیرا خداوند عزوجل می فرماید: من نزد گمان بنده ام هستم، اگر نیک باشد پاداشش نیک و اگر شر باشد پاداشش شر خواهد بود.

زندگی همواره با مشکلات و سختی ها است و چه بسا بسیاری از سختی های زندگی برای امتحان باشد، انسانی در زندگی موفق است که با آنها مبارزه کند و ناامیدی به خود راه ندهد. بنابراین اگر کسی مبتلا به سختی و گرفتاری شد نباید به خداوند بدگمان شود و تصور کند خداوند او را دوست ندارد و تمام سختی ها فقط برای او است.

همچنین نباید سختی ها و گرفتاری خود را به بدشانسی و اقبال بد نسبت دهد (که شانس و اقبال امری موهوم و باطل است). در برابر گرفتاری و سختی ها نیاز به اندیشه، صبر، تصمیم گیری به موقع، احساس امید، استمداد از خداوند و در نتیجه برخورد صحیح و معقول با آنهاست، چه بسا این آزمایش و زمان سختی، زیباترین و ماندگارترین لحظات زندگی انسان باشد، حضرت ایوب علیه السلام سختی های فراوان در زندگی کشید ولی بر همه آنها صبر نمود و می گفت به این همه بلا راضیم و نیز می فرمود: پروردگارا! «تو مهربان ترین مهربانانی»⁽²⁾ و تا آخرین لحظات جز

1- . عیون اخبار الرضا علیه السلام ، ج 2، ص 73.

2- . سوره انبیاء/83.

حسن ظن به خدا چیزی نداشت، همان طور که حضرت زینب عَلَيْهَا السَّلَامُ درباره حادثه کربلا با آن همه سختی ها فرمود: «جز زیبایی چیزی ندیدم»⁽¹⁾ و این همان حسن ظن به خدا است.

یادآوری می شود که برخی از سختی های زندگی انسان بر اثر اشتباه و خطاهای خود شخص است و تلاش می کند تا در صدد جبران آن برآید و انسان برای سرپوش بر ضعف و اشتباه خود این ها را نیز به خداوند نسبت بدهد. علت خطاها ممکن است حرکت در مسیر باطل، ارتکاب گناه، سستی در انجام کاری، فرار کردن از زیر بار مسئولیت باشد که انسان را به نتیجه نامطلوب می رساند سپس از کرده ی خود پشیمان می شود و آن را به خدا نسبت می دهد و یا آن را تحریف می کند، در حالی که همه این ها ناشی از سستی، ترس، ارتکاب حرام خود شخص است و به دنبال توجیه غلط برای این کارها است گاهی دین، گاهی خدا، حتی گاهی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را عامل این کارها می دانستند و این همان بدگمانی به خداوند است و چه دردناک است که انسان خود عامل شکست خود باشد و با دست خود راه نجات را به روی خود ببندد و واقعیت ها را دگرگون جلوه دهد و به خداوند نسبت دهد. به همین علت امام هشتم عَلَيْهِ السَّلَامُ می فرماید: «به خدا حسن ظن داشته باش، چرا که خداوند می گوید: من نزد گمان بنده ام هستم، اگر گمان بنده نیک بود پاداشی که می گیرد نیز نیک خواهد بود و اگر ظن بنده من شر بود پاداش او نیز شر و بدی خواهد بود.

1- . سید بن طاووس حسینی، علی بن موسی، اللهوف فی قتلی الطفوف، ص 70.

پیامبران اولوالعزم ﷺ

امام رضا علیه السلام فرمود: «إِنَّمَا سُمِّيَ أَوْلُو الْعَزْمِ، أُولَى الْعَزْمِ لِأَنَّهُمْ كَانُوا أَصْحَابَ الشَّرَائِعِ وَالْعَزَائِمِ»⁽¹⁾؛ پیامبران اولوالعزم در حقیقت بدین سبب اولوالعزم نامیده شده اند که دارای آیین و شریعت بوده اند.

شرح: خداوند برای هدایت بشر در طول تاریخ پیامبرانی را فرستاده است، برخی پیامبران مانند حضرت نوح، ابراهیم، موسی، عیسی علیهم السلام و محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دارای کتاب و شریعت هستند، برخی پیامبران مانند حضرت داود عليه السلام تنها صاحب کتابند و شریعت خاصی ندارند و برخی پیامبران دیگر نه کتاب دارند و نه شریعت.

گروه نخست را پیامبران «اولوالعزم» نامیده اند اما چرا آنان به این نام خوانده می شوند و آیا تعداد آنان همین پنج نفرند یا بیشتر؟ مطالبی مطرح شده است که به توضیح آن می پردازیم:

«عزم» به معنای اراده محکم و استوار و «اولوالعزم» به معنای صاحبان اراده است.

در قرآن کریم «عزم» در چند معنا به کار رفته است که می توان به برخی از آنها اشاره نمود:

عزم به معنای صبر، خداوند می فرماید: «كُفِيَكَ صَبْرًا كَمَا كُنْتَ تَصْبِرُ»⁽²⁾ از عزم امور است.

عزم به معنای وفای به عهد مانند: (وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِن قَبْلُ فَنَسِيَ وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا) ؛ ما به آدم از قبل عهد و تسلیم اما او

1- . عیون اخبارالرضا، ج 2 / 80 ، حدیث 13 و مسند الامام الرضا(ع)، ج 1، 49، حدیث 3.

2- - شوری / 43.

فراموش کرد و بر سر پیمان خود نایستاد.⁽¹⁾

در آیه 7 سوره احزاب نیز خداوند متعال چند نفر از پیامبران را نام می برد که از آنان پیمان های محکمی گرفته است و آنان عبارتند از پیامبر اسلام ﷺ ، نوح، ابراهیم، موسی و عیسی ﷺ . این پنج پیامبر به طور ویژه پس از آن نام می برد که همه پیامبران الهی را به صورت جمع به کار برده است. همچنین در آیه 35 از سوره احقاف به پیامبر اسلام ﷺ سفارش می کند که «صبر و شکیبایی مانند شکیبایی پیامبران اولوالعزم داشته باش».

در آیه ای دیگر می خوانیم که این پنج پیامبر دارای شریعت بوده اند: (شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى)؛ خداوند برای شما آیینی تشریح کرد که به نوح توصیه کرده بود و آن چه را بر تو وحی کردیم و بر ابراهیم و موسی و عیسی سفارش نمودیم.⁽²⁾

همچنین در روایتی از امام سجاد عليه السلام آمده است که نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد صلی الله علیه و آله و سلم پیامبران اولوالعزم هستند و بدین جهت به آنان اولوالعزم گفته شده است که به تمام مشرق و مغرب عالم (تمام جهانیان) و به جن و انس فرستاده شده اند.⁽³⁾

در حدیث دیگری نیز از امام صادق عليه السلام فرمود: بزرگ پیامبران و رسولان پنج نفرند، آنان پیامبران اولوالعزم هستند و آسیاب نبوت بر محور آنان می چرخد که عبارتند از نوح، ابراهیم،

1 - طه / 115.

2 - شوری / 13.

3 - بحارالانوار، ج 11، ص 58.

موسی، عیسی علیه السلام و محمد صلی الله علیه و آله و سلم (1).

از مجموع بحث های گذشته می توان مفهوم سخن امام هشتم علیه السلام را فهمید که فرمود علت نامگذاری آنان به اولوالعزم این است که دارای شریعت و عزم هستند که مهم ترین ویژگی پیامبران اولوالعزم می باشد.

با توجه به آیات و روایات و بحث های گذشته می توان گفت اولوالعزم کسانی هستند که دارای ویژگی های زیر باشند:

1 - دارای شریعت جدید و آیین تازه باشند (همان طور که در سخن امام هشتم علیه السلام آمده بود).

2 - از آن جا که هر شریعت و آیین جدیدی با مشکلات خاصی مواجه است و مخالفان بیشتری خواهد داشت نیاز به عزم و اراده آهنین همراه با صبر و شکیبایی بیشتر خواهد بود.

3 - عهد و پیمان هایی که خداوند از این عده گرفته است شدیدتر و محکم تر از سایر پیامبران الهی است.

4 - رسالت آنان جهانی است و به سوی شرق و غرب عالم فرستاده شده اند.

5 - رسالت آنان جن و انسان، هر دو را در برمی گیرد.

6 - آنان در میان سایر پیامبران دارای برتری هستند و نبوت سایر پیامبران نیز بر محور آنان می چرخد.

7 - پیامبران اولوالعزم عبارتند از حضرت نوح، حضرت ابراهیم، حضرت موسی، حضرت عیسی عليه السلام، حضرت محمد صلى الله عليه وآله وسلم.

تعداد پیامبران اولوالعزم نیز طبق دیدگاه معروف میان دانشمندان اسلامی و استفاده از آیات و روایات همان پنج نفر می باشد.⁽²⁾

1 - - کافی، ج 1، ص 174، باب طبقات الانبياء و الرسل، ح 3

2 - . در برخی روایات تا عدد 313 نفر نیز برای پیامبران اولوالعزم بیان شده است. (ر.ک: سیوطی، درالمنثور، ج 6، 45).

در آیات 7 از سوره احزاب و 13 از سوره شوری به این پیامبران اشاره خاص شده است، در روایات زیادی از جمله از: امام سجاد علیه السلام (1)، امام باقر علیه السلام (2)، امام صادق علیه السلام (3) و روایات دیگر تصریح به پنج پیامبر بزرگ الهی شده است که آنان پنج نفرند، حضرت نوح علیه السلام، حضرت ابراهیم علیه السلام، حضرت موسی علیه السلام، حضرت عیسی علیه السلام و حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم در روایتی نیز امام باقر علیه السلام از پیامبر نقل می کند که تعداد پیامبران 124 هزار نفر است که پنج نفر از آنان اولوالعزم بوده اند.

در سخنی از ابن عباس نیز پیامبران اولوالعزم را همین پنج نفر می داند (4).

برخی از بزرگان نیز پیامبران اولوالعزم را در ضمن شعری معرفی کرده اند:

اولوالعزم نوح و الخلیل الممجد و موسی و عیسی و الحیب محمد (5)

پیامبران اولوالعزم نوح و ابراهیم خلیل است و موسی و عیسی و محمد صلی الله علیه و آله و سلم حبیب خدا.

مطابق توضیحات فوق هر یک از پیامبران دارای کتاب های آسمانی و شریعت بوده اند که «قرآن کریم» کتاب آسمانی محمد صلی الله علیه و آله و سلم و «انجیل» کتاب آسمانی حضرت عیسی علیه السلام و «تورات» کتاب آسمانی حضرت موسی علیه السلام است.

1- . بحارالانوار، ج 11، 58 و 56.

- 2- . مجمع البيان، ج 9، 94.
- 3- . همان و نیز اصول کافی، ج 1
- 4- . درالمنثور، ج 6، 45.
- 5- . آلوسی، روح المعانی، 45، ج 26، ص 32.

اما برای کتاب آسمانی حضرت نوح و ابراهیم به طور صریح نام خاصی نیامده است ولی ممکن است از آیه 19 سوره اعلی «صحف ابراهیم و موسی» استفاده کنیم که نام کتاب حضرت ابراهیم و نوح هر یک «صحف» بوده است.⁽¹⁾

1- . ر.ک: مکارم شیرازی، پیام قرآن، ج 7، 363. همچنین می توان در این زمینه به تفسیر المیزان، ج 4 ذیل آیه 165 سوره نساء، ج 18 ذیل آیه 35 سوره احقاف و تفسیر نمونه، ج 21، 377 تا 380 و ج 4، 314 مراجعه نمود.

آیا معراج پیامبر ﷺ قابل تکذیب است؟

امام رضا علیه السلام فرمود: «من کذب بالمعراج فقد کذب رسول الله ﷺ»⁽¹⁾.
کسی که معراج پیامبر ﷺ تکذیب کند، رسول خدا ﷺ را تکذیب کرده است.

شرح: معراج از عروج به معنای بالارفتن است و نیز به معنای سیر روحانی و معنوی آمده است و منظور از آن طبق آیات قرآن و روایات فراوان و معروف میان دانشمندان اسلامی این است که پیامبر ﷺ هنگامی که در مکه بود به قدرت پروردگار در یک شب از مسجدالحرام به مسجدالاقصی در بیت المقدس که (فاصله آن بیش از یکصد فرسنگ است) رفته و در آن جا به آسمان ها صعود نموده تا آثار قدرت و عظمت پروردگار را در پهنه ی گیتی مشاهده نماید و همان شب نیز به مکه بازگشت.

این سیر با جسم و روح توأما انجام گرفته است به خلاف دیدگاه برخی که آن را به معراج روحانی شبیه یک خواب یا مکاشفه روحی تفسیر کرده اند.

در دو سوره از قرآن به مسأله ی معراج اشاره شده است:

1 - در نخستین آیه سوره اسراء که می فرماید: «پاک و منزّه است خدایی که بنده اش را در یک شب از مسجدالحرام به مسجدالاقصی که گرداگردش را پربرکت ساختیم برد، تا آیات خود را به او نشان دهیم، او شنوا و بیناست»⁽²⁾.

در این آیه دو نکته قابل توجه وجود دارد: یکی تعبیر «عبده»

1- . شیخ صدوق، صفات الشیعه، ص 92، مسند الامام الرضا علیه السلام ، ج 1، ص 81.

2- . اسراء/1.

است که دلالت دارد این سیر جسمانی و روحانی با هم بوده است نه روح تنها و نیز دلالت می کند که این افتخار به خاطر مقام عبودیت و بندگی آن حضرت بوده است که بالاترین مقام برای انسان است. و دیگری تعبیر «لیلاً» است که نشان می دهد سیر پیامبر از مسجدالحرام به مسجدالاقصی و معراج آن در یک شب بوده است.

2 - در سوره نجم از آیه 13 تا 18 نیز به سیر آسمانی پیامبر ﷺ و جریان معراج اشاره شده است که در تعبیری می فرماید: «مازاغ البصر و ماطغی» (چشم پیامبر دچار خطا و انحراف و طغیان نشده) این عبارت که چشم پیامبر ﷺ دچار خطا نشده است نشان می دهد که حادثه معراج در بیداری اتفاق افتاده است نه در خواب و حالت مکاشفه.

همچنین در روایاتی که متواتر و قطعی است، اصل موضوع معراج را امری ثابت و قطعی می داند و در روایاتی نیز ویژگی های معراج و مشاهدات پیامبر ﷺ را در آن شب مطرح می کند.

بنابراین اصل معراج از نظر دانشمندان اسلامی اعم از شیعه و اهل سنت قابل تکذیب و انکار نیست اگر چه برخی از مسائل آن در روایاتی ساختگی که مشتمل بر امور نامعقول است قابل تکذیب می باشد. از جمله این که پیامبر ﷺ خدا را آشکارا دید و با او سخن گفت که با اصول و معیارهای دینی و توحید سازش ندارد و با اهداف مهم این سیر معنوی نیز سازش ندارد زیرا هدف از این سفر آسمانی این نبوده است که پیامبر ﷺ خدا را در آسمان ها ببیند

همان طور که برخی ناآگاهان این مسأله را مطرح کرده اند. بلکه هدف اصلی از معراج این بود که روح بزرگ رسول خدا ﷺ با مشاهده اسرار عظمت خدا در سراسر جهان هستی به ویژه عالم ملکوت دید تازه ای و آگاهی کاملی بیابد تا بتواند با آن رهبری و هدایت انسان ها را به خوبی بر عهده بگیرد.

در این جا شبهه ای مطرح است که آیا عروج به آسمان ها با وجود نیروی جاذبه زمین و فقدان هوا در بیرون جوّ زمین و حالت بی وزنی و نیز اشعه های خطرناک ماوراءبنفش و اشعه ایکس چگونه ممکن است؟

برای پاسخ به این پرسش نکات زیر قابل توجه است:

1 - موانعی که برای معراج بیان شده امور محال و لاینحل نیستند و ما می بینیم که دانش امروز با پیشرفت های علمی سفر به فضا را ممکن می داند و سالانه فضانوردان با سفینه های مجهز، به سیارات مختلف مسافرت می کنند و این نشان می دهد که سفر به آسمان ها منع عقلی ندارد.

2 - مسأله ی معراج می تواند یک امر غیرعادی باشد مانند معجزات پیامبران که امری غیرعادی و وابسته به قدرت بی پایان خداوند است زیرا خداوند با نیروی نامحدود می تواند، پیامبرش را از اشعه های مرگبار نجات بدهد و مرکبی سریع السیر متناسب با این سفر فضایی در اختیار پیامبرش بگذارد، اما این مرکب «ررفرف» یا «براق» یا چیز دیگری بوده است تنها در روایاتی بدان اشاره شده است ولی برای ما کاملاً ناشناخته است.

3 - مسأله ی معراج تنها عقیده مسلمانان نیست بلکه در میان پیروان ادیان دیگر نیز وجود دارد همان طور که درباره حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام در انجیل مرقس باب 6 و انجیل لوقا باب 24 و انجیل یوحنا باب 21 آمده است که پس از آن که به دار آویخته و دفن شد از میان مردگان برخاست و پس از چهل روز به آسمان ها عروج نمود. همان طور که خداوند برای حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام و حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام و حضرت ادریس عَلَيْهِ السَّلَام نیز معراج قرار داده است.

نتیجه این که جریان معراج پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ امری قطعی است و قابل تکذیب نمی باشد و به همین جهت امام هشتم عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند: کسی که معراج را تکذیب کند رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را تکذیب کرده است.⁽¹⁾

1- . جهت اطلاع بیشتر به تفسیر المیزان، ج 13، ص 5 تا 34 و تفسیر نمونه، ج 12، ص 7 تا 20 و تفسیر مجمع البیان از طبرسی، ج 5 و 6، ص 609 تا 612.

طراوت قرآن

امام رضا علیه السلام فرمود: «انَّ اللهَ تَعَالَى لَمْ يَجْعَلِ الْقُرْآنَ لَزَمَانَ دُونَ زَمَانٍ وَ لَإِنَّاسٍ دُونَ نَاسٍ فَهُوَ فِي كُلِّ زَمَانٍ جَدِيدٌ وَ عِنْدَ كُلِّ قَوْمٍ غَضٌّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»⁽¹⁾

خداوند قرآن را برای زمان خاصی و مردم خاصی قرار نداده است و در هر زمانی تازه و نزد هر جمعیتی باطراوت است.

شرح: همیشه این پرسش در اذهان وجود دارد قرآن کریم که 1400 سال پیش در محیط خاصی و در میان مردمی که عرب زبان بوده اند، نازل شده است، آن زمان ویژگی های خاص خود داشته و آموزه ها و پیام های خاصی را می خواسته و امروز ویژگی های خاصی دارد، شاهد پیشرفت های زیادی در علم و صنعت و مانند آن هستیم، پس قرآن چگونه برای عصر ما مفید است.

امام هشتم علیه السلام با سخن پرمحتوای خود این پرسش را پاسخ می دهد که قرآن ساخته ی اندیشه و افکار زودگذر و متغیر بشر نیست تا با گذشت زمان کهنه و فرسوده گردد و برای مردم خاصی نیز نیست تا اگر آن مردم از بین رفتند محتوای قرآن و ارزش آن نیز از بین برود، بلکه از علم و دانش خداوند بزرگی سرچشمه گرفته که وجودش ازلی و ابدی و کلام او هم مانند ذاتش جاودانه است، زبان آن اگر چه عربی است اما محتوای آن جهانی است، قوانین و پیام هایش همچون عدالت خواهی، احسان و منطبق با فطرت بشر است که همه ی انسان ها در هر زمان از آن بهره می برند و در هیچ زمانی کهنه نمی شود، به

همین

1- . سفینه البحار، ج 7، ص 249.

دلیل هر چه آن را بخوانند تازه تر و جالب تر است و محتوای آن همیشه طراوت دارد، اگر کسی همیشه قرآن را با فهم محتوای آن بخواند نه تنها احساس خستگی نمی کند بلکه لذت و انبساط به او دست می دهد و این یکی از نشانه های اعجاز و عظمت قرآن کریم است.

علت این که قرآن در همه عصرها باطراوت است ویژگی های خاصی است که در درون آن نهفته است که برخی از مهم ترین آنها عبارتند از:

1 - هماهنگی قوانین قرآن با خواسته های طبیعی و فطری انسان و سایر موجودات و به قول معروف هماهنگی تشریح با تکوین.

2 - وجود لایه های پنهان در قرآن، قرآن دارای ظاهر و باطن است و در برخی روایات تا هفت بطن برای آیات آمده است و این ویژگی باعث شده است که آیات قرآن در هر زمان مصادیق خاصی داشته و متناسب با هر زمان حرکت کند.

3 - اعتبار بخشیدن به عقل: معتبر بودن عقل بدین معنا است که عقل می تواند در زندگی مردم نقش داشته باشد و عقلای یک جامعه می توانند برای برخی از مسائل زندگی اجتماعی خود قوانینی را وضع کنند مانند قوانین راهنمایی و رانندگی، کنترل بازار، شهرسازی.

4 - وجود قواعد و اصول حاکم: در قرآن کریم قواعدی وجود دارد که می تواند حاکم و ناظر بر قوانین دیگر باشد مانند «قاعده لاجرح»، «قاعده یسر و نفی عسر» و ... که اگر در موضوعی با اجرای حکمی حرج یا عسر، سختی یا بن بست باشد به وسیله ی این قواعد می توان موضوعات و احکام را از بن بست خارج کرد.

امامت سررشته دین

امام رضا علیه السلام فرمود: «إِنَّ الْأِمَامَ زِمَامَ الدِّينِ وَ نِظَامَ الْمُسْلِمِينَ وَ صَلَاحَ الدُّنْيَا وَ عِزَّ الْمُؤْمِنِينَ، الْأِمَامُ أَسُّ الْإِسْلَامِ النَّامِي وَ فِرْعَةُ السَّامِي، بِالْأِمَامِ تَمَامُ الصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ الصِّيَامِ وَ الْحَجِّ وَ الْجِهَادِ»⁽¹⁾.

امام سررشته ی دین و نظم دهنده ی امور مسلمانان و صلاح دنیا و بزرگ مندی مؤمنان است. امام بنیان و ریشه اسلام است، به واسطه امام است که نماز، زکات، روزه، حج و جهاد به کمال می رسد.

شرح: امام به منزله ی قلب جامعه است هر چه قدر قلب سالم تر باشد بدن انسان سالم تر است و اگر در بدن انسان قلب نباشد، بدن هیچ ارزشی ندارد، اساساً جوامع بشری برای بقا و تداوم حیات خود نیازمند رهبر و پیشوای شایسته هستند، هر چه قدر این پیشوا سالم تر، عالم تر، شجاع تر و زیرک تر باشد جامعه را بهتر اداره می کند، امام در واقع همه جنبه های زندگی مادی و معنوی انسان را رهبری می کند، به همین جهت امام هشتم به مهم ترین ویژگیهای اجتماعی و فردی پیشوای جامعه اشاره می کند که عبارتند از:

امام سررشته دین است، زیرا آگاه ترین فرد در دین او می باشد که مطالب دینی باید از او گرفته شود، سخن و کردار امام علیه السلام به عنوان قانون زندگی هر مسلمان است.

امام نظم دهنده ی امور مسلمانان و صلاح دنیا است: همان طور که اشاره شد امام قلب جامعه است و قلب است که به سایر

1- . تحف العقول، ص 796.

اعضای بدن خون می فرستد و رگ ها و شریان های حیاتی را زنده نگه می دارد و نظم و انضباط می بخشد و اگر قلب نباشد یا سالم نباشد نظام بدن از بین می رود و امام نیز در جامعه این چنین است، به حکومت، معاش، خانواده، اقتصاد، آموزش و پرورش و... نظم می بخشد.

امام عزت دهنده ی مؤمنان است: در جامعه و محیط نابرابر که پیشوای عادلانه ندارند، حق بسیاری از افراد به ویژه انسان مؤمن که شایستگی هایی نیز دارد ضایع می شود و چه بسا وی را خوار و به وی بی اعتنائی نمایند اما حکومتی که دارای امام عادل و شایسته باشد از مؤمنان به خاطر شایستگی های آنها استفاده می کند و جایگاه حقیقی و اجتماعی خودشان را به آنان می بخشد. به همین جهت امام هشتم علیه السلام می فرماید: امام عزت انسان مؤمن است.

امام ریشه ی اسلام، فزاینده و شاخه ی آن است: امام بنیان و ریشه اسلام است زیرا دین با اندیشه های امام هم چنان زنده و دارای حیات است. برخی از مقامات امام معصوم علیه السلام که می تواند به عنوان ریشه اسلام معرفی شود عبارتند از:

الف - امام جانشین پیامبر، در اجرای احکام و اقامه حدود و حفظ شریعت است.

ب - تمام وظایفی که برای پیامبران است برای امام معصوم نیز هست.

ج - امام از سوی خدا و پیامبر تعیین می شود و همان فضایل و امتیازات پیامبر را جز مقام نبوت را دارد، به همین علت اعتقاد به امام مانند اعتقاد به پیامبر در اصل شریعت لازم است.

در هر صورت امام هم ریشه دین است و هم شاخه اسلام است که دائماً در حال فزاینده‌گی است زیرا رهبری ای که از جانب خداوند به او واگذار شده و دارای مقام عصمت و علم الهی است. اسلام را دائماً توسعه و گسترش می دهد. عبادات از جمله نماز، زکات، روزه، حج و جهاد بدون امام و ولایت عبادتی ناقص خواهد بود، زیرا امام آگاهی کامل به این عبادات دارد و گفتار او نیز حجت است و طبق روایات متعدد اگر کسی تمام این اعمال را انجام دهد و ولایت نداشته باشد عبادات او ارزشی نخواهد داشت.

در جایی که دین در معرض تهاجم و احکام آن در معرض اختلاف باشد و همچنین انگیزه‌ها برای تغییر و تحریف وجود داشته باشد و احساس خطر اشتباه در نقل، به ویژه در مسایل و احکام دقیق و پیچیده با وجود گروه‌ها و افراد منفعت جو و هواپرست خواهد بود، در نتیجه وجود یک زمامدار و نگهبان حقیقی، دارای علم کامل در دین، ضروری است تا دین را حفظ کند.

اساساً دین اسلام هنگامی به عنوان یک دین کامل و پاسخگوی نیازهای انسان تا پایان جهان می تواند مطرح باشد که در درون خود راهی برای تأمین مصالح ضروری جامعه تا ابد پیش بینی کرده و این راه چیزی جز نصب جانشین شایسته برای رسول خدا ﷺ نخواهد بود. جانشینی که دارای علم خدادادی باشد تا بتواند حقایق را با همه ی ابعاد و دقایقش بیان کند، دارای ملکه ی

عصمت باشد تا تحت تأثیر انگیزه های نفسانی و شیطانی واقع نشود و مرتکب تحریف عمدی دین نگردد و نیز بتواند نقش تربیتی پیامبران را به عهده گیرد تا افراد مستعد را به عالی ترین درجه کمال برساند و نیز در صورت مساعد بودن شرایط اجتماعی، متصدی حکومت و تدبیر امور جامعه شود و قوانین اجتماعی اسلام را اجرا کند و حق و عدالت را در جهان گسترش دهد.⁽¹⁾ به همین جهت است که عبادت ها در صورتی قابل اطمینان و کامل است که از منشأ و سررشته ی دین گرفته شده باشد نه از مصادری که احتمال خطا یا جعل یا تحریف در آنها داده می شود، در نتیجه امام هم ریشه و بنیان اسلام است و هم شاخه های آن که قابل رشد هستند.

1- . رک: مصباح یزدی، محمدتقی، آموزش عقاید(2-1)، ص 353 و 354.

شناخت امامان

امام رضا علیه السلام درباره معرفت به امامان فرمود: «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْهُمْ مَاتَ مَيْتَةً جَاهِلِيَّةً»⁽¹⁾ کسی که بمیرد و امامان خود را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است.

شرح: طرح مسأله ی امامت در شیعه، طرح شخصی نیست بلکه طرحی است برای حرکت فرد و جامعه به سوی کمال و سعادت و منظور ارائه ی رهبران و الگوهای دینی و دنیایی مردم در تمام زمینه ها است، در زمینه عبادت، سیاست، اخلاق، قضاوت، نظام خانواده، وظایف فردی و اجتماعی و ... که توانمندند تا آینده انسان را ترسیم کنند به گونه ای که انسان می تواند تمام گفتار و کردار آنان را نصب العین خود قرار دهد.

به همین جهت پیروی از آنان بدون شناخت امکان پذیر نیست، اگر آنان را شناسیم حقیقت دین را شناخته ایم و اگر کسی نداند دین چیست گویا دین ندارد. در زمان جاهلیت پیش از اسلام نیز مردم پیشوایی و دینی نداشتند نسبت به احکام و مسائل دینی نادان بودند و مردم در حالت کفر به سر می بردند تا این که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ظهور کرد و آنها را نجات داد و راه نجات انسان ها پس از نبوت، بهره بردن از وجود امام معصوم علیه السلام است تا مردم را به دین صحیح هدایت کند، زیرا به اعتقاد شیعه امام آگاه ترین، عادل ترین فرد جوامع است، دارای مقام عصمت و تمام حرکات و سکنات او حساب شده و قابل الگوبرداری است. شناخت چنین امامی است که باعث اعتقاد و ایمان به او و پیروی بی چون

1- . عیون اخبار الرضا علیه السلام ، ج 2، ص 130، ب 35.

وچرای از او خواهد شد و بر همین اساس است که انسان تا سر حد فداکاری در راه آرمان های امام خود گام برمی دارد و مفاهیمی که در مضامین زیارت ها و دعا های شیعه آمده است عینیت پیدا خواهد کرد: «پروردگارا مرا از یاران و کمک کنندگان آن [امام] بزرگوار و کسانی که از آرمان های او دفاع می کنند و از پی انجام مقاصدش می شتابند و اوامرش را امتثال و از وی حمایت و به جانب اراده اش مشتاقانه سبقت می گیرند و در حضور حضرتش به درجه رفیع شهادت می رسند قرار ده»⁽¹⁾.

افزون بر آن که مسأله ی شناخت و اعتقاد عمیق به امام و امامت مقدمه حاکمیت «نظام الهی» است زیرا با شناخت امام زمان و پیروی از آنان است که نظام الهی تحقق پیدا می کند و در غیر این صورت باید ناچار تن به یک نظام جاهل و رژیم غیراسلامی داد.⁽²⁾

به همین جهت در روایات فراوانی دیده شده است که لازم است مردم شناخت حقیقی نسبت به امام زمان خود داشته باشند و امام هشتم علیه السلام نیز می فرماید: اگر کسی امامان خود را به درستی نشناسد و بمیرد مانند زمان جاهلیت یعنی در حالت کفر و بی دینی مرده است.

ما مردم شیعه که درباره ی امامت این همه اصرار به خرج می دهیم و از آیات قرآن و سنت نبوی و تجربه تاریخی در این باره دست بر نمی داریم برای همین حقیقت است یعنی لزوم و

1- . فرازی از دعای عهد، مفاتیح الجنان، ص. 1050.

2- . زیرا برای حاکمیت دو نظام کلی قابل تصور است یکی نظام الهی با وجود پیامبران یا امام معصوم آن هم در صورتی که مردم شناخت به امام داشته باشند تا از امام خود پشتیبانی و پیروی نمایند و دیگری نظام جاهلیت و رژیم غیراسلامی و برخی مضمون حدیث «من مات ولم یعرف

امام زمانه مات میته جاهلیه» را همین می دانند. رک: صافی گلپایگانی، نظام امامت و رهبری، ص
8 و 9.

حتمیت صفاتی چند در پیشوا، از جمله شناخت کامل و قاطع [همراه با] ایستادگی و پایداری تا سر حدّ خون و شهادت این عقیده (جز جنبه های الهی آن) والاترین آرمان است یعنی این که ما شیعیان برای بشریت جز پیشوای عادل و معصوم و عامل و صادق نمی پسندیم. در هر صورت اعتقاد به امامت وقتی ارزشمند است که پایه ی معرفتی داشته باشد در این صورت است که با هسته ی اصلی ایمان در می آمیزد و در جان انسان نقش می بندد.⁽¹⁾

محقق معروف مصری «حامد حنفی» در این باره می گوید: «شیعه این شعله را در همه فراز و نشیب های تاریخی با خویشتن داشته است و این شور و گداز با گوشت و خون شیعه همچون خود ایمان در دل مؤمنان ممزوج گشته است، آری شیعه مردمی مؤمن و صاحب مسلک اند و این ایمان از نوع تقلید و زبانی نیست و همین ایمان ژرف و مسلک اعتقادی است که تنها شیعه آن را در همه قرن ها نگهداشته است راز پشتکاری است که در دعوت آنان به چشم می خورد و در انفجارهای علمی پیاپی که در تألیف های آنان دیده می شود و در فریاد جاودان پایی که در نوشته های آنان همواره طنین افکنده است.⁽²⁾

1- . حکیمی، محمدرضا، امام در عینیت جامعه، ص 85 و 86.

2- . الرضوی، سیدمرتضی، مع رجال الفکر فی القاهره، ص 80 و نیز حکیمی همان.

گریه بر امام حسین علیه السلام

امام رضا علیه السلام خطاب به شخصی (فرزند شیب) فرمود: «إِنْ بَكَيْتَ عَلَيَّ الْحُسَيْنِ حَتَّى تَصِيرَ دُمُوعُكَ عَلَيَّ خَدَّيْكَ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ صَغِيرًا كَانَتْ أَوْ كَبِيرًا قَلِيلًا كَانَتْ أَوْ كَثِيرًا⁽¹⁾»؛ اگر بر حسین علیه السلام گریه کردی تا این که اشکانت بر گونه هایت جاری گشت خداوند هر گناهی را که انجام داده ای کوچک باشد یا بزرگ، کم باشد یا زیاد همه را می آمرزد.

شرح: با اثرترین و غم انگیزترین حادثه جهان اسلام قیام امام حسین علیه السلام و حادثه ی کربلا است که نمی توان نسبت به آن بی تفاوت بود. یکی از راه های ارتباط با سیدالشهدا علیه السلام شرکت در عزاداری و گریه ی بر آن حضرت است، از دو جهت بر ما مسلمانان لازم است با این جریان در ارتباط باشیم یکی از این جهت که حسین بن علی علیه السلام پیشوای، مسلمانان و فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است و دیگری از این جهت که برای حفظ اسلام و امر به معروف و نهی از منکر جان خود را فدا نمود و به فیض شهادت رسید و با شهادت خود دین اسلام را حیات جدیدی بخشید و چراغ هدایت و شمع فروزنده جوامع گردید. به همین جهت در روایات فراوانی سفارش اکید شده است که بر حسین علیه السلام گریه کنید و گریه بر آن حضرت ثواب زیادی از جمله آمرزش جمیع گناهان را دارد، در این روایت نیز امام هشتم به فرزند شیب سفارش می کند که اگر بر حسین علیه السلام گریه کردی و اشکانت جاری شد تمام گناهانت آمرزیده می شود، شاید فلسفه آن در

1- . عیون اخبار الرضا علیه السلام ، ج 1، ص 268، 269، باب 28، حدیث 58.

ارزش شهادت نهفته باشد.

زیرا آرمان شهید بالاترین آرمان هاست که با منطق عشق و هم با منطق اصلاح دینی و اجتماعی به استقبال شهادت رفته است، شهید خود می سوزد و جامعه ای را روشن می کند و هر قطره خونسش وارد پیکر اجتماع می شود، آرمان ها، اهداف و اندیشه های او برای جامعه الگو می گردد، به همین علت است که استاد شهید مطهری می فرماید: گریه بر شهید، شرکت در حماسه او و هماهنگی با روح او و موافقت با نشاط او و حرکت در موج اوست.⁽¹⁾

فلسفه گریه ی بر شهید بعد جامعه شناختی آن است و آن ارتباط شهید با جامعه خود است زیرا او برای نجات جامعه جان خود را از دست داده است و جامعه نیز از فیض یک انسان والا محروم مانده است لذا به جاست که پیروان شهید در فقدان امام شهید و شمع محفل تاریکی خود متأثر شوند. افراد جامعه با حالت گریه می توانند احساس کنند بیش از هر حالت دیگر به محبوب خود نزدیک ترند، با گریه می توان با اهداف، اندیشه ها و آرمان های شهید پیوند برقرار کرد و با او پیمان بست که راهش ادامه داده می شود.

امام حسین علیه السلام به خاطر شخصیت عالیقدرش، به واسطه ی شهادت قهرمانانه اش و خدمتی که به همه ی انسان ها کرده است مالک قلب ها و احساسات صدها میلیون انسان است.

راز بقای امام حسین علیه السلام این است که قیامش در خدمت انسانیت، دین و منطق با خواسته های فطری بشر و رضایت

1- ر.ک: مرتضی مطهری، قیام و انقلاب مهدی به ضمیمه شهید، ص 90.

معبود است به همین جهت باعث شده در عمق احساسات و عواطف افراد جامعه راه یابد، ائمه ی اطهار علیهم السلام که به گریه بر آن حضرت سخت توصیه کرده اند حکیمانه ترین دستورها را داده اند زیرا این گریه است که باعث می شود نهضت امام حسین علیه السلام ، پایدار مانده و اهداف و پیام های آن در اعماق جان مردم نفوذ کند.

یادآوری می شود این که امام رضا علیه السلام فرمود: تمام گناهان چه گناه کبیره یا صغیره، کم یا زیاد آمرزیده می شود اما این گونه نیست که حق الناس نیز آمرزیده می شود⁽¹⁾ و حق الناس تنها با ادای حقوق مردم و رضایت آنها آمرزیده خواهد شد.

نکته دیگر این است که این آموزه ها نباید افراد را به سوی گناه بیشتر بکشاند و باعث شود تا به گناه روی بیاورند و بعد بگویند با گریه و اشک ریختن بر حسین آمرزیده می شویم بلکه منظور تحول درونی است که باید با گریه و پیوند برقرار کردن با امام و شهید، راه او ادامه یافته و کمتر به سوی گناه بروند.

1- . مانند توبه که گناهان را می آمرزد اما حق الناس بر اساس ادای حقوق مردم آمرزیده خواهد شد.

سه روز هولناک

امام رضا علیه السلام فرمود: «إِنَّ أَوْحَشَ مَا يَكُونُ هَذَا الْخَلْقُ فِي ثَلَاثَةِ مَوَاطِنَ: يَوْمَ يُولَدُ وَيَخْرُجُ مِنْ بَطْنِ أُمِّهِ فَيَرَى الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَمُوتُ فَيُعَايِنُ الآخِرَةَ وَأَهْلِهَا وَيَوْمَ يُبْعَثُ فَيَرَى احْكَامًا لَمْ يَرَهَا فِي دَارِ الدُّنْيَا»⁽¹⁾؛ وحشتناک ترین حالت برای مخلوق سه زمان است: روزی که از شکم مادر متولد می شود و دنیا را می بیند و روزی که می میرد و عالم پس از مرگ و اهل آن را مشاهده می کند و روز رستاخیز که بار دیگر زنده می شود و احکامی را می بیند که در دنیا ندیده بود. شرح: در این روایت امام هشتم علیه السلام به سه روز خطرناک و سرنوشت ساز در زندگی انسان ها اشاره می کند که هر سه روز آغاز فصل نوینی برای انسان می باشد و سلامتی در آنها بسیار مهم است که جز به لطف خداوند میسر نمی شود آنها عبارتند از:

1- روز تولد: یکی از روزهای هولناک زندگی انسان که کسی به یاد نمی آورد زمانی است که نوزاد از عالم جنین به عالم دنیا منتقل می شود و یکباره به یک محیط ناآشنا یعنی عالم دنیا وارد می شود که به او هیجان و اضطراب دست می دهد به همین علت نوزاد هنگام تولد دارای اضطراب و گریه ی شدید است.

2 - روز مرگ: یکی از حالات بسیار سخت و وحشتناک انسان زمان مرگ است، حالاتی که هنگام مرگ وجود دارد یکی هیجان و اضطراب فوق العاده شبیه حالت مستی است که انسان احساس می کند در حال انتقال به جهان

ناشناخته دیگری است و در قرآن از آن به «سکره الموت» تعبیر می کند: «و
جاءت سکره

1- . حویزی، عبد علی بن جمعه، نور الثقلین، ج 3، 335، حدیث 75.

الموت بالحق»⁽¹⁾ سرانجام سكرات مرگ فرا می رسد. از روایات استفاده می شود که حتی پیامبران و مردان بزرگ الهی که از آرامش روحی خاصی برخوردارند از هیجان‌ات هنگام احتضار بی نصیب نیستند. در حالات پیامبر ﷺ می خوانیم که در لحظات آخر عمر مبارکش دست در ظرف آبی می کرد و به صورت می کشید و «لااله الاالله» می گفت و می فرمود: «إِنَّ لِلْمَوْتِ سَكَرَاتٍ» مرگ دارای سكرات است.⁽²⁾

همچنین حالت دیگری که در زمان مرگ وجود دارد که بسیار حالت سخت و شدیدی است و به آن «غمرات» به معنای شداید مرگ می گویند.⁽³⁾

امام علی علیه السلام در روایتی می فرماید: مرگ شداید و سختیهایی دارد شدیدتر از آن چه در وصف بگنجد یا با معیار عقل مردم دنیا سنجیده شود.⁽⁴⁾ پیدایش چنین حالتی در لحظه مرگ یا به خاطر آن است که انتقال از جهانی به جهان دیگر که از جهات مختلف ناشناخته است و به انسان حالت هیجان دست می دهد و یا به خاطر مشاهده اوضاع و شرایط بعد از مرگ و قرار گرفتن در برابر نتیجه اعمال و ترس از سرنوشت است و یا به خاطر جدایی از دنیا و افراد و نزدیکان و اشیاء مورد علاقه انسان.⁽⁵⁾

1- ق. 19.

2- تفسیر روح البیان، ج 9، 118.

3- در آیه قرآن آمده است «و لو تری اذ الظالمون فی غمرات الموت» هنگامی که ببینی این ظالمان در شداید مرگ فرو رفته اند. انعام، 93.

4- غرر الحکم

5- ر.ک: مکارم شیرازی، پیام قرآن، ج 5، 432.

3 - روز رستاخیز: یکی از روزهای هولناک مراحل زندگی انسان روز رستاخیز است روزی که مردگان بار دیگر جهت حسابرسی اعمال زنده می شوند، این همان روزی است که همه از قبرها سراسیمه و شتابان خارج می شوند در حالی که چشم های آنها از شدت وحشت به زیر افتاده و پرده ای از ذلت و خواری آنها را پوشانده است و این همان روز وحشتناکی است که قرآن می فرماید: «مادران شیرده کودکان شیرخوار خود را فراموش می کنند و هر زن بارداری حمل خود را بر زمین می گذارد و مردم را مست می بینی در حالی که مست نیستند ولی عذاب خدا شدیدتر است»⁽¹⁾.

و قرآن نیز این سه روز را در زندگی بسیار مهم و بحرانی می داند به همین جهت خداوند در این سه روز برای حضرت یحیی علیه السلام سلامت و عافیت می خواهد و می فرماید: (**وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَ يَوْمَ يَمُوتُ وَ يَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا**)⁽²⁾؛ و سلام بر یحیی آن روز که تولد یافت و آن روز که می میرد و آن روز که زنده برانگیخته می شود.

چنان چه حضرت عیسی علیه السلام نیز برای خود درخواست سلامتی در این سه روز می کند⁽³⁾، چرا که سلامت در آنها جز به لطف خدا میسر نمی شود و از خداوند باید استمداد نمود که ما را نیز در این زمان های بحرانی و هولناک به سلامت به سرمنزل مقصود برساند.

1- . معارج، 43 و 44.

2- . مریم، 15.

3- . مریم، 33.

زندگی و خانواده

اشاره

هدف و زندگی

امام علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمود: «إِعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَ إِعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا»⁽¹⁾؛ برای دنیای خود به گونه ای عمل کن گویا همیشه می خواهی بمانی و برای آخرت آن چنان عمل کن گویا فردا خواهی مرد.

شرح: در این جهان هستی هیچ چیز بی هدف نیست، زیرا خالق آن حکیم و کار عبث و بیهوده از او امکان ندارد، آیات فراوانی از قرآن از جمله «آل عمران / 191، دخان / 38 و 39، ص / 27 و ...» هدفمند بودن کل جهان هستی را بیان نموده، حتی بالخصوص آفرینش و زندگی انسان را دارای هدف و هر گونه عبث و بیهودگی را در آفرینش آن نفی می نماید از جمله سوره «مؤمنون / 115 و ملک / 2 و ...».

امام علی علیه السلام نیز در سخنی می فرماید: خدای سبحان شما را بیهوده نیافریده و به حال خود وا نگذاشت»⁽²⁾.

آن چه مهم به نظر می رسد شناخت هدف صحیح زندگی است و این که انسان بداند برای چه آمده است و به کجا می رود؟ و به قول شاعر:

همه روز فکر من این است و همه که چرا غافل از احوال دل
شب سبب خنم خویش تنم
از کجا آمده ام آمدنم بهر چه بود به کجا می روم آخر نمایم وطنم

1- . حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج 12، ص 49.

2- . نهج البلاغه، فیض الاسلام، خطبه 63.

در هر صورت شناخت هدف صحیح برای زندگی از عوامل نشاط، شادابی و تلاش برای زندگی است چنان که عدم آگاهی از هدف زندگی موجب افسردگی و چه بسا پوچی در زندگی شود، آیا دنیا می تواند هدف اصلی برای زندگی باشد؟ یا آن را مقدمه ای برای یک زندگی طولانی و برتر بدانیم؟ به تعبیر دیگر آیا مقصود از زندگی تنها خوردن و آشامیدن و شهوت است یا هدف آخرت و رسیدن به کمال انسانی و رحمت الهی است. در نتیجه دنیا ابزاری برای کسب آخرت می باشد. کسانی که هدف صحیحی برای زندگی نیافتند به پوچ گرایسی رسیده و همین دنیا را آخرین خط و سرمنزل مقصود دانسته و سرانجام دست به خودکشی زده اند. در مقابل کسانی که به هدف صحیح دست یافتند، در دنیا تلاش و کوشش فراوان نموده و هیچ وقت دست از تلاش و کوشش برنداشته بلکه تلاش های خود را در دنیا جهت دار کرده اند، رنگ و بوی الهی و اخروی به کارها داده اند، و به بالاترین سعادت ها رسیده اند و نام خود را در زمره ی نام آوران تاریخ ثبت کرده ند به همین جهت امام رضا علیه السلام زندگی را دارای هدف صحیح می داند، اما برای رسیدن به این هدف دو نوع برنامه ریزی را بیان می کند، هم باید برای زندگی دنیا برنامه ریزی کرد و هم آمادگی لازم برای آخرت پیدا نمود، زندگی دنیا و آسایش آن نیاز به انضباط، محکم کاری و تلاش دارد، مسلمان می تواند در دنیا خوب زندگی کند، نیازهای خود و خانواده را برطرف نماید، اما این کار به یک برنامه ی دقیق و منظم و صحیح نیاز دارد، مسلمان نباید عمر و وقت خود را بیهوده هدر دهد بلکه باید از تمام اوقات زندگی بهره ببرد، با ناامیدی زندگی کردن،

به خاطر این که انسان روزی از این جهان می رود، همچنین وجود امور ناپایدار مانند مرگ، شکست بر هدف ها، نرسیدن به برخی از آرزوها، شرایط

اجتماعی نامناسب نباید انسان را به پوچ گرایی و بی هدفی بکشاند و این تصور فرهنگی غلط است، سستی و تنبلی و کسالت به همراه می آورد، انسان هر چه به دست می آورد مرهون تلاش و کوشش است، انسان های موفق در تمام شبانه روز، دارای نظم بوده و با تلاش های مثبت و مفید به یک زندگی صحیح رسیده اند. برنامه دیگر انسان آمادگی برای آخرت است، مسلمان نسبت به مسائل دینی و معنوی باید آن قدر حساس باشد که اگر فردا از این جهان رخت بر بست دارای توشه باشد و به غضب و خشم الهی گرفتار نشود و این نیاز به برنامه ریزی دارد، عبادت ها را به موقع انجام دهد، عبادتها را با ریاکاری و زهد دروغین نابود نکند، حقوق دیگران را رعایت کند، گناه نکند، اگر مبتلا به گناه شد با استغفار و توبه حقیقی دامن خود را از گناه شست و شو دهد، اگر حقی از مردم به گردن دارد، ادا کند، نقاط تاریک و مبهم زندگی خود را با کارهای نیک تبدیل به روشنایی نماید، چنان اهمیت به این مسایل بدهد که اگر فردا بمیرد آخرت او نیز با سعادت همراه باشد.

برنامه های اساسی زندگی

امام رضا علیه السلام فرمود: «عَلَيْكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَالْوَرَعِ وَالْاجْتِهَادِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ وَصِدْقِ الْحَدِيثِ وَحُسْنِ الْجَوَارِ فَبِهَذَا جَاءَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ». ⁽¹⁾ بر شما باد به پارسایی، ترس از خدا و کوشش در طاعت و بندگی و ادای امانت و راستگویی و حسن همجواری، این ها اساس رسالت پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است.

شرح: رعایت برنامه های اساسی مانند نظم در زندگی، موجب موفقیت بیش از پیش انسان است، برنامه های اساسی در دین زیادند. امام هشتم علیه السلام به چهار برنامه ی ارزشمند زندگی که بر اساس رسالت پیامبر اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بیان شده است، اشاره می نمایند تا افراد بتوانند خود را با دین اسلام هماهنگ نموده و زندگی بهتری داشته باشند.

1 - تقوا و ترس از خدا: یکی از مهم ترین رازهای سعادت در دنیا و آخرت، پرهیزکاری و ترس از خدا است که با دوری از گناهان و تلاش در عبادت و بندگی که همراه با عمل صالح است به دست می آید.

2 - ادای امانت: یکی از ویژگی های خوب برای هر مسلمانی امانت داری و بازگرداندن امانت به صاحب اصلی آن می باشد. مسلمان باید در جامعه مورد اعتماد و تکیه گاه افراد مختلف باشد و منظور از این امانت تنها امور مادی نیست، بلکه شامل راز و گفتار محرمانه نیز می شود. این یک وظیفه الهی است که

1 - بحار الانوار، ج 78، ص 348.

قرآن نیز به آن امر کرده است⁽¹⁾، اگر هر مسلمانی به این وظیفه عمل کند. زمینه امنیت عمومی به ویژه امنیت اقتصادی در جامعه فراهم شود.

3 - راستگویی: از مهم ترین فضیلت ها و صفات نیک هر مسلمان راستگویی است، راستگویی در نجات انسان ها بسیار مؤثر است، زیرا زمینه ی انجام کارهای صحیح، رسیدن به هدف، ثبات فکری و عملی خواهد بود، همچنین راستگویی نشانه ی سلامت انسان و مطابق بودن پندار با گفتار یا ظاهر با باطن است به خلاف استفاده از دروغ که حرکت از بی راهه و کار انسان های ضعیف و ناتوان است.

4 - رعایت حق همسایه: از سفارشات اکید اسلام حسن همجواری و رعایت حق همسایه است، رفتار پسندیده و معاشرت نیکو با همسایه موجب جلب محبت آنها خواهد شد. کمک کردن به همسایگان از مهم ترین وظایف هر مسلمان است و چون انسان موجودی اجتماعی است و زندگی همواره با مشکلات و سختی ها همراه است، انسان ها به کمک یکدیگر نیازمندند و چه کسی بهتر و نزدیک تر از همسایه خواهد بود، نیک رفتاری باعث ارتباط، پیوند مستحکم، رفت و آمد و از بین رفتن احساس تنهایی و غربت خواهد بود.

1- . إن الله يأمرکم أن تؤدوا الامانات إلى أهلها. نساء/ 58.

تلاش برای زندگی

امام رضا علیه السلام فرمود: «إِنَّ الَّذِي يَطْلُبُ مِنْ فَضْلِ يَكْفُ بِهِ عِيَالَهُ أَعْظَمُ أَجْرًا مِنَ الْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»⁽¹⁾. کسی که به دنبال روزی و فضل خداوند باشد، تا هزینه‌ی خانواده خود را تأمین کند پاداشش بیشتر از کسی است که در راه خدا جهاد کند.

شرح: هر مسلمانی برای به دست آوردن روزی حلال و برطرف کردن نیازهای زندگی خود باید تلاش کند تا به مردم نیاز نداشته باشد. از نظر اسلام کار و تلاش برای زندگی عبادت است. انسانی که اهل تلاش و کوشش است، همه او را دوست دارند، خداوند او را دوست دارد و میان مردم محبوب است، اساساً به دست آوردن یک زندگی خوب و آبرومند در پرتو کوششهای خوب و مثبت انسان است. تبلی، سستی، کسالت، خود را ناتوان تصور کردن با روح ایمان سازگاری ندارد.

این حقیقت را نباید پنهان داشت که مسلمان هرگز در درون خود راضی نمی‌شود در خانه بنشیند و سربار مردم باشد و دیگران نیازهای زندگی او را تأمین کنند و اگر کسی این تفکر را داشته باشد که من در خانه می‌نشینم و مشغول عبادت می‌شوم و دست به دعا برمی‌دارم و خداوند نیز روزی من را می‌رساند اندیشه‌ای باطل است و با عزت انسان با ایمان سازش ندارد.

انسان در حد توان باید به خود متکی باشد اگر چه برای کسب و به دست آوردن روزی به شهرهای دوردست سفر کند.

1- . مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج 78، ص 339، و ر.ک: میزان الحکمه، ج 4، 119، حدیث
7204.

نکته قابل توجه این است که انسان مسلمان در نوع طلب معیشت و زندگی باید اهمیت دهد و زندگی او از کسب حلال باشد. نه از هر جا و از هر راهی به دست آید، کار و زندگی نباید از راه حرام باشد، زیرا درآمد و غذای حرام، در اندیشه، عقاید، آینده‌ی فرزندان و زندگی روزمره تأثیرات منفی خواهد گذاشت و انسان به گناه و فسق مبتلا خواهد شد، در نتیجه زندگی برکت و رشدی نخواهد داشت و حتی اتفاق از مال حرام نیز بی نتیجه و بی پاداش خواهد بود.

به همین جهت امام رضا علیه السلام در یک درس بزرگ به ما می آموزد کسی که به امید روزی و فضل پروردگار به دنبال روزی [حلال] می رود تا خانواده خود را تأمین کند و نیازمند دیگران نباشد، عمل وی از بهترین عبادات است و پاداشش نزد خداوند بیش از کسی است که در راه خدا جهاد و مبارزه کند.

مهربانی با خانواده

امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: «أَحْسَنُ النَّاسِ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا وَالطُّفُّهُمَ بِأَهْلِهِ وَأَنَا الطُّفُّكُمْ بِأَهْلِي»⁽¹⁾؛ کسی ایمانش بهتر از دیگران است که اخلاقش نیکوتر و با خانواده اش مهربان تر باشد و من مهربان ترین فرد نسبت به خانواده ام هستم.

شرح: ایمان دارای مراتبی است که در این روایت به دو مرتبه آن اشاره شده است یکی اخلاق نیکو با مردم و دیگری مهربانی با خانواده.

اخلاق نیکو از بهترین عباداتی است که اسلام به آن سفارش می کند تا جایی که پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ یکی از اهداف بعثت خود را تکمیل اخلاق می داند، اخلاق خوب از عوامل ورود به بهشت، آبادی خانه ها و طولانی شدن عمر برشمرده شده است⁽²⁾، کسی که دارای اخلاق خوب است شهد زندگی و آب زلال حیات را گوارا درک می کند، دارای آرامش روحی هستند، که دیگران را شیفته ی خود می سازند. در مقابل افراد بد اخلاق باعث شکنجه ی خود، دوستان، اطرافیان و بستگان می شوند و بزرگ ترین شکنجه ها را خود می بینند، زندگی همواره برای آنان تلخ، عمرشان کوتاه، انسان های دیگر از دور او پراکنده و جسمشان در عذاب است.

مهربانی با خانواده رتبه دیگری برای ایمان است که در تداوم و آرامش زندگی نقش اساسی دارد. بسیاری از مردم اخلاق و

1- . عیون اخبار الرضا عَلَيْهِ السَّلَامُ ، ج 2، ص 38، صحیفه الرضا، ص 12، بحارالانوار، ج 71، ص

38. حدیث 34.

2- . شبر اخلاق بشر، ص 25- 27، ترجمه جباران (انتشارات هجرت).

رفتار آنها در اجتماع خوب است اما اخلاق و رفتار آنها با خانواده مطلوب نیست، همسر و فرزندان وی از دست آنها راضی نیستند.

مرد باید بداند که زن مانند مرد برخوردار از انسانیت و روح کامل انسانی و اراده و اختیار است و خداوند او را در مسیر تکامل آفریده است در نتیجه برای برخورداری از زندگی خوب و مهربانی با همسر بر نکات زیر تأکید می شود:

1 - انسان باید محبت به زن را اظهار کند که اظهار محبت زندگی را از سردی می رهند و در حدیث وارد شده است که اگر مرد به همسر خود بگوید دوستت دارم هرگز از دل او بیرون نمی رود و به فرزندان نیز باید محبت داشت و آنها را بوسید که خوشحالی آنها خوشحالی انسان در روز قیامت است.

2 - به شخصیت زن احترام گذاشته و او را شریک زندگی و مربی فرزندان خود بداند.

3 - تندخویی و درشت گویی با فرزندان آثار بدی از جمله تربیت نامطلوب اجتماعی در بر خواهد داشت.

4 - احترام به همسر باید همراه با رعایت حقوق زن باشد و توجه به این نکته لازم است که وظایفی همچون غذا پختن، لباس شستن، نظافت خانه که عرفاً متداول است از وظایف اخلاقی زنان است نه حقوق مردان.

5 - نارسایی و عیوبی که گاهی در کارها پدید می آید به رخ همسر کشیده نشود و حتی در برابر بداخلاقی زن باید صبور بود و در زمانی که زن در خانه خسته است باید مرد با او مدارا نموده و اخلاق و رفتاری متناسب با نیاز روحی وی انجام دهد و با لطافت در زندگی برخورد نماید.

نکات فوق ما را متوجه آثار اخلاق نیک و مهربانی با خانواده می نماید که چه قدر می تواند در ایمان تأثیر داشته باشد که امام هشتم نیز این دو موضوع را از ویژگی های ایمان بهتر شمرده اند.

نیکی به پدر و مادر

امام رضا علیه السلام فرمود: «بِرُّ الْوَالِدَيْنِ وَاجِبٌ وَإِنْ كَانَا مُشْرِكِينَ وَلَا طَاعَةَ لَهُمَا فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ⁽¹⁾»؛ خوش رفتاری با پدر و مادر اگر چه مشرک باشند واجب است اما پیروی از آنان در امر حرام و گناه صحیح نیست.

شرح: یکی از زیباترین آموزه های دین اسلام نیکی به پدر و مادر است، رعایت حقوق والدین آن قدر مورد اهمیت است که در آیاتی از قرآن، پس از دعوت به توحید و پرستش خداوند و دوری از شرک، انسان ها را به رفتار نیک با پدر و مادر دعوت می کند.

وظیفه هر مسلمان این است که به پدر و مادرش نیکی کند، با آنان بهترین رفتار را داشته باشد بلکه باید نهایت تلاش در گرامیداشت آنان داشته باشد به گونه ای که بال و پر مهربانی و محبت برای آنان بگستراند و شایسته نیست هیچ گونه کوتاهی در خدمتگزاری آنان بنماید، رعایت حقوق والدین آن قدر مهم است که حتی اگر آن دو کافر و مشرک نیز باشند احترام آنها واجب و لازم است. به همین جهت امام هشتم علیه السلام در جمله کوتاه خود، از نکات مهم دینی خوش رفتاری و نیکی به پدر و مادر است اگر چه آن دو مشرک باشند.

مطالب مهم و ظریفی درباره نیکی به پدر و مادر وجود دارد که رعایت آنها موفقیت های زیادی در طول زندگی برای انسان به ارمغان می آورد:

1 - در چهار آیه از سوره های مختلف قرآن (انعام/151، نساء/36،

اسراء/23 و بقره/83) بعد از مسأله ی توحید و دعوت به

1- . عیون اخبار الرضا علیه السلام ، ج 2، 132، ب 35.

یگانگی و پرستش خداوند، سفارش نیکی به پدر و مادر می کند و این همدریف بودن می رساند که قرآن تا چه اندازه برای پدر و مادر ارزش قایل است.

2 - در برخورد و نوع سخن گفتن صدای خود را نباید بلندتر از صدای پدر و مادر برد.

3 - با آنان به نرمی و نیکی سخن بگویند نه با تندى و فریاد زدن.

4 - سخن تند، توهین آمیز، حرف های بی ادبانه، به تعبیر قرآن «اف گفتن» در برابر آنان جایز نیست.

5 - هنگام راه رفتن جلوی آنان راه نرود و حتی قبل از آنان ننشیند.

6 - احسان به والدین را بی واسطه به دست خود انجام دهد.

7 - فرزند در هر موقعیت و مقامی که باشد باید در مقابل والدین متواضع و فروتن باشد، مقام و موقعیت خود را نمی تواند به رخ بکشد و حتی می توان گفت هر چه دارد از آنان است و نباید فراموش کند که اصل و ریشه وی از همین پدر و مادر است.

8 - نکته ی قابل توجه که امام هشتم علیه السلام نیز بدان اشاره دارد این که در احسان به والدین، مسلمان یا خوش اخلاق بودن آنان شرط نیست بلکه حتی اگر مشرک یا بد اخلاق باشد باز هم احترام و احسان به آنان لازم است.

9 - فرمانبرداری از پدر و مادر اگر چه لازم است اما اگر در مسیر شرک و کفر بر خلاف دستورات دین دستوری صادر کنند همان طور که امام رضا علیه السلام فرمود: نباید از آنان پیروی نمود.

10 - میان حکم و فرمان هر یک از پدر و مادر تفاوتی نیست.

ارتباط با خویشاوندان

امام رضا علیه السلام فرمود: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يُنْسَأَ فِي أَجَلِهِ وَيُزَادَ فِي رِزْقِهِ فَلْيَصِلْ رَحِمَهُ»⁽¹⁾ کسی که دوست دارد عمر طولانی داشته باشد و روزی اش بیشتر گردد صله رحم نماید و به خویشاوندانش رسیدگی کند.

شرح: نزدیک ترین افراد به انسان خویشاوندان هستند، رابطه آنها با یکدیگر از نظر اسلام از مهم ترین وظایف اجتماعی و به عنوان یک وظیفه دینی تلقی می شود که هیچ قانون اخلاقی دیگر جایگزین آن شود، محبت، تعاون، همکاری با خویشاوندان باعث نزدیک تر شدن افراد و نسبت ها به یکدیگر می شود.

صله ی رحم یک حرکت انسان دوستانه است که قرآن و روایات نسبت به آن اهمیت فوق العاده ای قایل شده است، فلسفه آن پیوند بزرگ اجتماعی مسلمانان است چرا که همیشه برای اصلاح، تقویت و عظمت بخشیدن به یک اجتماع بزرگ از جنبه های مختلف اقتصادی، سیاسی، نظامی و نیز اخلاقی و معنوی باید از واحدهای کوچک آغاز کرد، با اصلاح و تقویت خانواده ها، جامعه بزرگ مسلمانان نیز اصلاح و تقویت خواهد شد. اسلام از این برنامه بهره کافی برده، دستور داده است افراد با خویشان خود به هر نحو ممکن حتی با جرعه ای از آب ارتباط برقرار کنند، اسلام به تقویت مجموعه ای توصیه می کند که خونشان در رگ و پوست یکدیگر در گردش است و فطرت آنها نیز بدان گرایش دارد، صله ی رحم افزون بر آرامش روانی و اجتماعی در زندگی

1- . عیون اخبار الرضا علیه السلام ، ج 2، ص 44، بحارالانوار، ج 74، ص 91، ج 15.

باعث برکات فراوانی است، رسیدگی به نزدیکان، حل مشکلات آنان، آبادی
و عمران شهرها، طولانی شدن عمر، زیادی روزی و ... از جمله آنها است. امام
هشتم علیه السلام در حدیث فوق به دو اثر از آثار ارزشمند صله ی رحم اشاره دارند،
یکی طولانی شدن عمر و دیگری زیادی رزق.

اخلاق

اشاره

فروتنی

امام رضا علیه السلام فرمود: «التَّوَّاضِعُ أَنْ تُعْطِيَ النَّاسَ مَا تُحِبُّ أَنْ تُعْطَاهُ»⁽¹⁾ تواضع در برابر مردم آن است که آن چه دوست داری دیگران به تو بدهند تو به دیگران ببخشی. شرح: یکی از آداب معنوی و اخلاقی تواضع و فروتنی است که نشانه کمال انسان است زیرا هر چه فرد کامل تر باشد تواضع و خاکساری اش افزون تر خواهد بود. بیشتر کسانی که تکبر می ورزند به خاطر کمبودها و ضعف هایی است که می خواهند با خودنمایی بر آن سرپوش نهند. تواضع گاهی در برابر خداست که در عبادت تجلی پیدا می کند، حالت سجده، رکوع، سحرخیزی برای عبادت بهترین حالات تواضع در برابر خداست و گاهی در برابر مردم است مانند سلام کردن بر دیگران، پاسخ دادن به خواسته ها و نیازها، هم نشینی با مردم عادی و فقرا، هدیه ها و بخشش ها و ... امام هشتم علیه السلام می فرماید: تواضع و فروتنی در برابر مردم این است که آن چه دوست داری دیگران به تو بدهند به دیگران ببخشی. انسان دوست دارد اگر دیگران می خواهند چیزی به او بدهند زاید بر زندگی، دورریختنی، فاسد نباشد بلکه دوست داشتنی، زیبا، ارزشمند و قابل استفاده باشد. بنابراین خود انسان نیز اگر می خواهد به دیگری چیزی بدهد شایسته است همین ویژگی ها را دارا باشد.

1- . کلینی، اصول کافی، ج 2، ص 124، بحارالانوار، ج 75، ص 135، میزان الحکمه، ج 10، ص

503، حدیث 21535.

لازم به یادآوری است که تواضع و بخشش بیش از حد، هر دو آفات مخصوص به خود دارند. تواضع تا حدی خوب است که برای رضای خدا باشد و به ذلت و خواری شخص نینجامد. همچنین مورد سوءاستفاده متکبران واقع نشود و بخشش نیز تا حدی خوب است که انسان در زندگی محتاج دیگران نشود.

نیمی از عقل

امام رضا علیه السلام فرمود: «التَّوَدُّدُ إِلَى النَّاسِ نِصْفُ الْعَقْلِ»⁽¹⁾؛ محبت به مردم نیمی از عقل انسان است.

شرح: بخشی از یک زندگی خوب و موفقیت آمیز برخوردهای معقول و خردمندانه انسان در زندگی شخصی و در برابر افراد مختلف جامعه است، تدبیر خردمندانه با مشکلات در زندگی شخصی زندگی را لذت بخش و هموار نموده و برای اعضای خانواده آسایش به همراه دارد، اما یک بخش مهم زندگی بر خورد صحیح با مردم جامعه است. بسیاری از مردم در زندگی روزمره با مشکلات مختلفی مواجه هستند، افزون بر آن که افراد جامعه نیز متفاوتند، همه یک جور نیستند، برخی دانشمند، برخی نادان، برخی ثروتمند، برخی صالح، برخی ناصالح، برخی با صبر و حوصله، برخی کم ظرفیت، عصبی و تندخو هستند در نتیجه برخوردها باید حساب شده، دقیق و منطبق با عقل و موازین اسلامی باشد، عقل و دین ما را به برخورد محبت آمیز دعوت می کند، عقل به ما می گوید در برخورد با مردم خوش رو، خوش خو، خوش زبان باش. آیات و روایات نیز ما را دعوت به نیکوکاری، برخورد شایسته با روی باز به دور از مجادله و سخنان ناشایست می کند.

امام هشتم علیه السلام در حدیث فوق به برخورد خردمندانه با مردم جامعه اشاره می نماید و محبت به مردم، اظهار دوستی نسبت به آنان را نیمی از عقل و خرد انسان می داند. محبت می تواند نقش

1- . تحف العقول، ص 520، حدیث 15، بحارالانوار، ج 78، ص 335.

سازنده برای خود فرد و آرامش اجتماعی برای مردم داشته باشد و حتی از همیاری و همفکری آنان نیز استفاده نماید. محبت یک اصل کلی است که گاهی با برطرف کردن مشکل، گاهی با همفکری و مشاوره، گاهی با خوش زبانی و همدلی، گاهی با خوش رویی و مانند آن امکان پذیر است و این همان معاشرت خوب با مردم است که نشانه ی خردمندی و عقل سلیم انسان است.

دوست و دشمن

امام رضا علیه السلام فرمود: «صَدِيقُ كُلِّ امْرِئٍ عَقْلُهُ وَ عَدُوُّهُ جَهْلُهُ»⁽¹⁾. دوست هر انسانی خرد او و دشمنش نادانی او است.

شرح: انسان در زندگی نیاز به همراه، یاور و دوست خوب دارد. دوست انسان، گاهی فردی آگاه، با ایمان و خیرخواه است، و گاهی از اولیای الهی است. گاهی کتاب و گاهی چیز دیگر. امام هشتم علیه السلام در این روایت می فرماید: دوست هر انسانی که می تواند یاور همیشگی و خوبی برای انسان باشد عقل انسان است. عقل ابزار تفکر و علم است. عقل ثمره ها و میوه های خوبی می تواند داشته باشد، انسان را به دانش برساند، از افراط و تفریط جلوگیری نماید، همیشه سبز روح و سبزو و منشأ خیر باشد. در مقابل چنین دوستی انسان یک دشمن نیز دارد و آن جهل و نادانی هر فرد است. نادانی ریشه هر بدی می تواند باشد، به فرد و جامعه آسیب برساند. انسان جاهل همیشه یا در افراط یا در تفریط به سر می برد و انسان را به مشاجرات، مناظرات، رذایل اخلاقی می کشاند و به تعبیر زیبایی از امام علی علیه السلام جاهل سنگی است

که هرگز آب از آن جاری نمی شود و درختی است که شاخه هایش سبز نمی گردد و زمینی است که گیاهی از آن نمی روید.⁽²⁾

پس بکوشیم که با به کار بردن عقل، علم و دانش را کسب نموده و جهالت و نادانی را از خود دور کنیم تا زندگی فردی و اجتماعی سالمی داشته باشیم.

1- . تحف العقول، ص. 804.

2- . غرر الحکم

سه چیز مبعوض خداوند

امام رضا علیه السلام فرمود: «إِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ الْقِيلَ وَالْقَالَ وَإِضَاعَةَ الْمَالِ وَكَثْرَةَ السُّؤَالِ»⁽¹⁾ خداوند جدال (قیل و قال) و از بین بردن مال و درخواست زیاد از دیگران را دشمن می دارد.

شرح: در حدیث فوق سه چیز موجب خشم خداوند معرفی شده است:

1 - جدال در سخن: سخن معقول و منطقی اگر چه کم و همراه با سکوت باشد، شخصیت و هیبت انسان را بالا برده و موجب موفقیت خواهد بود، جروبحث و قیل و قال هنگام بحث و گفتگو که از آن تعبیر به مراء و جدال می کنند نه تنها موفقیت نمی آورد بلکه باعث درگیری بین دو طرف و تحریک خشم و قوه ی غضب انسان می شود زیرا هر طرف تلاش می کند سخنان خود را برتر بداند همچنین لجاجت و تحقیر یکدیگر را به دنبال خواهد داشت.

2 - ضایع کردن اموال: بیهوده مصرف کردن و از بین بردن اموال و یا اسراف، کاری است که هیچ عقل و خردی آن را نمی پسندد، در واقع بی توجهی به نعمت الهی و در نتیجه کفران نعمت خواهد بود. انسان در مصرف اموال نه مصرف گرای افراطی باشد که اموال خود را تباه کند و نه در هزینه کردن دست تنگ و بخیل بلکه باید حد اعتدال و میانه را رعایت نمود.

3 - درخواست از دیگران: برخی برای رفع نیازمندی خود شخصیت خود را در مقابل افراد دیگری که خود نیازمندند

1- . تحف العقول، ص 467.

کوچک می کند و با بردن تقاضاهای غیرضروری به نزد این و آن خود را وابسته و نیازمند می سازند و شخصیت انسانی خود را در هم می کوبند. هر درخواست مساوی است با سبک نمودن و خواری شخصیت انسان. بهترین درخواست باید از کسی باشد که بی نیاز کامل است و او خدا است نه انسانی که تمام وجودش فقر محض می باشد. بدین جهت امام هشتم علیه السلام می فرماید: یکی از چیزهای مبعوض نزد خداوند درخواست از دیگران است و اسلام دستور می دهد تا آن جا که انسان توانایی دارد روی پای خود بایستد و از زندگی «اتکالی و وابسته» پرهیزد که بی نیاز شدن با کمک دیگران عین نیازمندی است.

طرح دوستی و برادری

امام رضا علیه السلام فرمود: «مَنْ اسْتَفَادَ أَخًا فِي اللَّهِ اسْتَفَادَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ»⁽¹⁾ کسی که در راه خدا برادری به دست آورد، خانه ای در بهشت برای خود فراهم ساخته است.

شرح: یکی از آداب اجتماعی اسلام انتخاب دوست و برادری با ایمان در زندگی است.

دوست مؤمن به خاطر ایمان و اعتقادی که دارد خود را در برابر دیگری مسئول می داند او را به نیکی تشویق می کند از بدی باز می دارد، راهنمای اوست و به او خیانت نمی کند، ستم روا نمی دارد، فریب نمی دهد، در سختی ها یاور خوبی است، وعده ای که می دهد به آن پایبند است. دوست و برادر با ایمان به خاطر کارهای خویش انسان را به یاد خدا می اندازد. در واقع صداقت و راستی را به طور کامل مراعات می کند، چنین دوستی باعث می شود انسان را به سعادت و بهشت راهنمایی کند.

بهره بردن از چنین برادر دینی مانند این می ماند که انسان در بهشت خانه ای برای خود بنا کند و از آن بهره ببرد و امام هشتم علیه السلام به همین نکته اشاره می نماید که به دست آوردن دوست و برادر ایمانی به دست آوردن خانه ای در بهشت است.

اما دوست بی ایمان انسان را به سوی گناه می کشاند به مجلس گناه دعوت می کند و همین باعث می شود حرکت انسان به سمت جهنم باشد، از یکی از

بزرگان دین نقل شده است که من تا درب جهنم با دوست دوستی می‌کنم اما از
درب جهنم به بعد از او کناره می‌گیرم⁽²⁾.

1- . وسایل الشیعه، ج 22/14 باب 9، حدیث 6

2- از آیت الله میرزای حسین قمی این جمله نقل شده است وی در زمان رضا شاه به خاطر کشف
حجاب در شاه عبدالعظیم بست نشست.

حیا و شرم

امام رضا علیه السلام فرمود: «الْحَيَاءُ مِنَ الْإِيمَانِ»⁽¹⁾؛ حیا از نشانه های ایمان است. شرح: روابط اجتماعی بر اساس موازین خاص صورت می گیرد. سخن گفتن با یکدیگر، برخوردها، نوع پوشیدن لباس دارای قلمرو خاصی است که باید رعایت شود. احترام به دیگران چه در برخورد اعضای خانواده یا افراد دیگر، نیکو و باادب سخن گفتن، لباس پوشیدن مناسب، همچنین کاربرد اخلاق خوب و توجه به ابعاد معنوی در برخوردها از شاخصه های ایمان است، بدون تردید شخصیت ارزشمند هر فرد بیشتر در گرو همین ویژگی ها است.

اگر در سخن گفتن از الفاظ رکیک، زشت، بی پرده همراه با تمسخر، پوزخند، توهین، ناسزا و مانند آن استفاده شود افزون بر آن که برخی موارد گناه شمرده می شود شخصیت هر فردی نیز بی ارزش خواهد شد و خود از مصادیق بی حیایی و بی شرمی خواهد بود و همین باعث ضعف ایمان یا خروج از ایمان خواهد شد چنان که در روایات اشاره شده است که ایمان و حیا به هم پیوسته و مقرون یکدیگرند و اگر یکی از آن دو برود دیگری نیز خواهد رفت.⁽²⁾ زیرا بی حیایی و بی عصمتی زمینه گناه و فساد اجتماعی به دنبال خواهد داشت.

1- . عیون اخبار الرضا علیه السلام ، ج 2، ص 239.

2- . اصول کافی، ج 2، ص 106.

حیا و عفت در زنان از اهمیت خاصی برخوردار است زیرا بیشتر در معرض طمع و تهاجم مردان فاسد قرار دارند به همین جهت باید در سخن گفتن، پوشش و حجاب خود، عفت و حیای کامل و لازم را رعایت نماید و با داشتن حیا و عفاف است که در محیط اجتماعی خود می تواند فعالیت مطلوب داشته باشد و آن چه که مانع حضور زن در جامعه است پدید آمدن زمینه های فساد، رعایت نکردن حریم ها و عفت ها است به همین جهت امام هشتم علیه السلام حیا و شرم را از نشانه های ایمان می داند.

ممکن است کسی تصور کند که در فراگرفتن مسائل دینی، عمل به وظیفه شرعی و حتی پرسش از یک مسأله شرعی و واجب نیز باید حیا به خرج داد، این جا مورد حیا و شرم نیست بلکه آموختن مسائل دینی از واجبات است و مسلمان نباید از پرسش کردن، فراگرفتن و عمل و تکلیف به حق و واجب، حیا و شرم کند زیرا در آگاهی از مسائل دینی هیچ گونه حیا و شرمی وجود ندارد.

اندوه زدایی از قلب ها

امام رضا علیه السلام فرمود: «مَنْ فَرَّجَ مِنْ مُؤْمِنٍ فَرَجَ اللَّهُ مِنْ قَلْبِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»⁽¹⁾؛ هر کس که اندوهی از مؤمنی بگشاید خداوند در روز قیامت اندوه از قلبش بزدايد.

شرح: یکی از ویژگی های افراد بزرگ و شایسته این است که تنها به خود فکر نمی کنند، به فکر دیگران نیز هستند یکی از مهم ترین برنامه های آنان گره گشایی از کار دیگران، برطرف کردن مشکلی از زندگی دیگران، دلجویی و مدارا کردن، زدودن اندوه از قلب و چهره دیگران است، چنین افرادی دارای روحی بزرگ هستند.

اما عده ای از مردم فکر می کنند اگر به حل مشکلات دیگران بپردازند از پیشرفت در زندگی باز می مانند در حالی که منطق اسلام غیر از این است و در روایات فراوانی اهل بیت علیهم السلام مسلمانان را دعوت می کنند تا در رفع نیازمندی های یکدیگر کوشا باشند و همین باعث می شود که خداوند مشکل خودش را حل نماید، زیرا باید بدانیم خداوندی که قدرتش مافوق قدرت ها است می تواند به انسان بیش از دیگران کمک کند و مشکلات انسان ها به ویژه افراد نیکوکار را حل نماید. این موضوع را بارها به چشم خود دیده ایم افرادی بوده اند که به دیگران کمک کرده اند به طور شگفت آوری مشکلات خودشان حل شده است و حتی موفقیت های چشمگیری پیدا کرده اند که تنها با توجه به امدادهای الهی قابل توجیه است.

1- . اصول کافی، ج 2، ص 200 و بحارالانوار، ج 74، ص 321، ح 88.

در هر صورت گره گشایی از کار دیگران ضمن این که بسیار ارزشمند است آثار و ثمرات فراوان نیز دارد روح انسان را شاداب، قلب دیگری را شاداب، جامعه ی اسلامی از وی راضی و به وجود چنین شخصی افتخار می کنند، افزون بر آن افرادی نیز هستند که روزی متقابلاً گره و گرفتاری از چنین شخصی بگشایند، همچنین آثار اخروی نیز دارد که امام هشتم علیه السلام به یکی از مهم ترین آنها اشاره نموده و می فرماید: خداوند در روز رستاخیز، اندوه از قلب وی می زداید.

گناه پنهان و آشکار

امام رضا علیه السلام فرمود: «الْمُذِيْعُ بِالسَّيِّئَةِ مَخْذُولٌ وَ الْمُسْتَتِرُ بِالسَّيِّئَةِ مَغْفُورٌ لَهُ» (1). آن کسی که گناه را نشر دهد، مطرود است و آن که گناه را پنهانی انجام دهد مشمول آمرزش الهی است.

شرح: انسان موجودی اجتماعی است. اجتماع مانند خانه است که باید در حفظ و پاسداری از حریم آن نهایت تلاش را انجام دهیم. حریم جامعه مانند حریم خانه انسان است، پاکی جامعه به پاکی انسان و فرزندان کمک می کند، همان گونه که آلودگی جامعه در آلودگی خانواده سرایت می کند، بر همین اساس اسلام ضمن آن که با ارتکاب گناه در پنهانی مخالف است، با ارتکاب گناه به طور آشکار و در محیط زندگی و جامعه با شدت بیشتری مخالفت و با آن مبارزه می کند، زیرا گناه جو جامعه را مسموم و آلوده می کند و حرمت آن را از بین می برد، ایجاد مراکز فساد و فحشاء، تشویق به گناه، پدید آوردن زمینه علنی گناه و دامن زدن به تهمت ها همه از مصادیق اشاعه ی فحشا و گناه اجتماعی است. به همین علت امام هشتم علیه السلام می فرماید: کسی که گناه را نشر دهد و به طور آشکار گناه انجام دهد مطرود خداوند است و زمینه ی آمرزش را از بین برده است به خلاف گناه پنهان که مشمول آمرزش الهی است و زمینه آمرزش همچنان فراهم است و آن پشیمانی و توبه است.

در واقع گناه مانند آتشی کوچک است که اگر در یک نقطه باشد به سرعت می توان آن را خاموش کرد اما اگر به آتش دامن

1- اصول کافی، ج 2، ص 428 ب. سترالذنوب.

زده شود و به چند نقطه برده شود حریق همه جا را فرا خواهد گرفت و توانایی کنترل آن از بین خواهد رفت.

حریم جامعه اسلامی و حفظ ظواهر آن اقتضا می کند که در برابر فساد باید سد ایجاد کرد و از نشر گناه و تجاهر به فسق جلوگیری کرد تا محیط مسلمانان از آلودگی ها حفظ شود و سالم بماند. یادآوری می شود که سخن امام هشتم علیه السلام مجوز بر ارتکاب گناه در پنهانی نیست تا کسی بگوید در پنهانی چون گناه آمرزیده می شود پس گناه اشکال ندارد، خیر گناه هر کجا و هر گونه که باشد حرام و تخلف در برابر خالق باعظمت است اما در نهانی به خاطر سرایت نکردن به دیگران زمینه آمرزش آن با توبه و استغفار سریع تر است.

شرط مسلمان بودن

امام رضا علیه السلام فرمود: «المُسْلِمُ الَّذِي يَسْلَمُ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ وَ لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يَأْمَنْ جَارُهُ بِوَأْتِقَهُ»⁽¹⁾؛ مسلمان کسی است که مسلمانان دیگر از زبان و دستش آسوده باشند و کسی که همسایه اش از شر او در امان نباشد از ما نیست.

شرح: جامعه ی اسلامی باید برای دیگر جوامع از نظر اخلاقی الگو و نمونه باشد، یکی از ویژگی های مسلمانان آرامش اجتماعی در میان آنان است و آرامش به این است که با هم تعاون و همکاری داشته باشند، نیازمندی های یکدیگر را برآورده کنند و اگر با هم همکاری ندارند لااقل نباید به یکدیگر اذیت و آزار رسانند و مردم آزاری از صفات بسیار زشت است به ویژه برای مسلمانان که باید امتی الگو باشند. به همین جهت امام هشتم علیه السلام می فرماید: مسلمان باید به گونه ای باشد که همسایگان، مردم کوچه و بازار [سایر مسلمانان] از دست و زبان او آسوده باشند، گفتار و کردار وی برای دیگران خیر و برکت داشته باشد. در سخن گفتن، نیک بگوید، با دیگران مشورت کند، احترام سایر افراد را نگه دارد، زبان بد نداشته باشد، فحش ندهد، ناسزا نگوید، بدزبانی نکند، دعوا نکند.

نزدیک ترین افراد پس از اعضای خانواده همسایه ی انسان است. اسلام برای همسایه جایگاه ویژه ای قایل است. سفارش های زیادی از پیشوایان دینی بر خدمت کردن و احترام به همسایه رسیده است تا جایی که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به علی علیه السلام، ابوذر و سلمان

1- . عیون اخبار الرضا، ج 2، 27، باب 31.

دستور داد تا به مسجد بروند و با صدای بلند بگویند: کسی که همسایه اش از شر او در امان نباشد ایمان ندارد.⁽¹⁾

بنابراین وظیفه است از حال همسایه باخبر شویم، در غم و شادی وی شرکت جوئیم، در مشکلات و نیازمندی ها او را یاری دهیم، اگر مریض شد به عیادتش برویم، از اشتباهات و لغزش او درگذریم و نباید هیچ گونه اذیت و آزاری به او برسانیم. به همین علت امام هشتم علیه السلام می فرماید: اگر کسی، همسایه اش از شرش در امان نباشد و او را اذیت و آزار نماید از ما نیست، یعنی او را دوست نداریم و این شخص از شیعیان امام هشتم نخواهد بود.

1- . اصول کافی، ج 2، ص 666.

سپاسگزاری در برابر دیگران

امام رضا علیه السلام فرمود: «مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمُنْعِمَ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ»⁽¹⁾ کسی که در برابر بندگان خدا که چیزی به انسان می بخشند سپاسگزاری نکند، سپاسگزار خداوند نیست.

شرح: قدردانی و سپاسگزاری در برابر کارهای نیک دیگران وظیفه هر انسان آگاهی است. از نظر تربیتی در روح خود انسان و فردی که کار نیک انجام داده است، آرامش روانی و تشویق به کار نیک به دنبال خواهد داشت. در آیات زیادی خداوند مردم را به شکر و سپاسگزاری دعوت می کند و روشن است زنده کردن حس شکرگزاری و قدردانی در مردم خود موجب افزایش نعمت و آرامش روانی جامعه خواهد بود و سود آن به خود انسان می رسد و در مقابل بی توجهی به تشکر کردن از دیگران دلیل سودجویی شخص و نداشتن شناخت و معرفت لازم است، به همین جهت کسی که از بندگان خدا نمی تواند قدردانی و سپاسگزاری کند چگونه می تواند سپاسگزار خداوند با آن همه نعمت های فراوان باشد. شکر در برابر خداوند بر همین اساس است، خداوند از همگان بی نیاز است و به همه نیز نعمت های بی شمار داده است اگر کسی اهل معرفت و شناخت باشد می تواند در برابر خداوند بزرگ و بخشنده شکرگزاری کند. حتی فرمائش را به جان و دل بپذیرد و به همین وسیله هدایت و تربیت شود در نتیجه سود آن به خود شکرگزار بر می گردد زیرا اگر همه موجودات شکرگزاری خدا کنند چیزی بر عظمتش افزوده نمی شود و اگر جمله کاینات کافر گردند بر دامن کبریا پیش گرد نشینند.

1- . عیون اخبار الرضا علیه السلام ، ج 2، ب 31، ص 27.

نظافت و آراستگی

امام رضا علیه السلام فرمود: «مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ التَّنَظُّفُ»⁽¹⁾ از جمله اخلاق پیامبران نظافت و پاکیزگی است.

حس زیبایی یکی از مهم ترین ابعاد چهارگانه (حس نیکی، حس دانایی و حس مذهبی و حس زیبایی) روح انسانی است و روانشناسان معتقدند تمام زیبایی های ادبی، شعری، صنایع ظریف هنری و دستی و... هر آن چه در زیر مجموعه هنر هست مولود این حس می باشد.⁽²⁾

در آیات قرآن و روایات فراوان به استفاده کردن از زیبایی های طبیعت، برخورداری از چهره ای آراسته و پاکیزه، لباس های زیبا و متناسب، به کار بردن عطر و مانند آن سفارش شده است. قرآن کریم دستور می دهد که هنگام رفتن به مسجد با آراستگی بروند که اشاره به زینت های مادی مانند پوشیدن لباس های مرتب و پاکیزه، شانه زدن موها، به کار بردن عطر و مانند آن دارد و هم شامل زینت های معنوی یعنی صفات انسانی و ملکات اخلاقی و پاکی نیت و اخلاص⁽³⁾ است و در آیه ای دیگر نیز با نوعی تندی نسبت به کسانی که تصور می کنند اسلام به پاکیزگی اهمیت نداده است می فرماید: «چه کسی زینت های الهی که برای بندگانش آفریده و روزی های پاکیزه را بر بندگان حرام کرده است»⁽⁴⁾ و این نشان می دهد که قوانین دین اسلام هماهنگ با ویژگی های

1- . تحف العقول، ص 519 و بحار الانوار، 78، ص 335.

2- . ر.ک: تفسیر نمونه، ج 6، ص 150.

3- . اعراف، 31.

4- . همان، 32.

روحی و جسمی انسان است و به قول معروف عالم تشریح و تکوین با هم هماهنگ است اما در هر چیز لازم است حد اعتدال و میانه روی رعایت شود و متأسفانه مردم در این گونه برنامه ها راه افراط می روند و به بهانه های مختلف به تجمل پرستی و خودنمایی روی می آورند و چه بسا به حرام نیز مبتلا می شوند که از جمله آنها زیباگرایی و آرایش بانوان در دید افراد نامحرم و ... است. بنابراین اسلام مخالف زینت و زیبایی نیست اما اسراف گرایی در آن را نیز نمی پسندد.

یکی از مصادیق زیبایی، پاکیزگی بدن و لباس است.

امام هشتم علیه السلام در حدیث فوق، نظافت و پاکیزگی را از اخلاق پیامبران الهی دانسته است حتی در روایات آمده است که هر گاه آن امام برای ملاقات با مردم از منزل بیرون می آمدند خود را آراسته کرده و لباس زیبا می پوشیدند.⁽¹⁾

1- . عیون اخبار الرضا علیه السلام ، ج 2، 178، حدیث 1.

سکوت مهر آور

امام رضا علیه السلام فرمود: «الصَّمْتُ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْحِكْمَةِ إِنَّ الصَّمْتَ يَكْسِبُ الْمَحَبَّةَ إِنَّهُ دَلِيلٌ عَلَى كُلِّ خَيْرٍ».⁽¹⁾ سکوت دری از درهای حکمت است، سکوت مهر و محبت آور است چرا که بر هر نیکی راهنما است.

شرح: سکوت و خاموشی نشانه خردمندی و عقل انسان است. موارد بسیاری است که انسان لب به سخن می‌گشاید اما سکوت برتر است، سکوت پشیمانی نمی‌آورد، انسان را به تفکر و تأمل وامی‌دارد، در بسیاری موارد موجب محبت در دل‌های دیگران است که دیگران را جذب می‌کند و چه بسا به سکوت غبطه می‌خورند.

بسیارند کسانی که از سخن گفتن نادم و پشیمان‌اند اما به خاطر سکوت هیچ‌گاه اظهار ندامت نمی‌کنند. شاعر عرب می‌گوید:

ما إن ندمت على السكوت مرة و لقد ندمت على الكلام مراراً
به خاطر سکوت یک بار هم دریغ نخوردم اما به خاطر گفته‌ها بارها پشیمان شده‌ام.

منشأ بسیاری از گناهان زبان است، دروغ، تهمت، غیبت، فحش و ناسزا گفتن، هرزه‌زبانی که هر یک گناهی بزرگ و همه از آفات زبان است. به همین علت زبان به منزله‌ی اسب سرکش است که باید به مهار و کنترل عقل درآید این باعث می‌شود انسان هر کجا سخن نگوید، در سخن گفتن تأمل کند، زبان خود را حفظ نماید و اگر این اختیار را نداشته باشد عواقب بد و

1- . تحف العقول، ص 802.

زیان باری به دنبال خواهد داشت.

سخن پرورده پیر کهن بیندیشد آن گه بگوید سخن
به همین جهت امام هشتم علیه السلام سکوت را دری از درهای حکمت می داند که
موجب جلب محبت و دلها است و باعث می شود تا به راه های نیک روی
بیاورد.

یادآوری این نکته ضروری می نماید که منظور امام علیه السلام این نیست که انسان
همیشه و در همه حال لب فرو بندد و زبان به سخن نگشاید که حتی در مقام
احقاق حق خود و دیگران سکوت اختیار کند و به دفاع از خود برنخیزد بلکه
مقصود جلوگیری از هرزه گویی و زیاده روی در سخن است و اگر روایت فوق
را این گونه تفسیر کنیم که انسان باید در هر حالتی حتی در برابر ستمکاران
و افساد مفسدان مهر سکوت بر لب زند و فریاد برنیاورد چنین تفسیری مخالف
شریعت اسلام است، زیرا امر به معروف و نهی از منکر از مهم ترین واجباتی
است که با سکوت از بین می رود و باعث گسترش فحشاء و منکرات می شود
و سکوت در برابر ظلم گناهی بزرگ و نابخشودنی است اگر در برابر مفسد و
مظالم سکوت کنند اسلام به خطر می افتد و دین نزد مردم بی اهمیت خواهد
شد، در این گونه موارد اسلام دستور می دهد سکوت را بشکنید و داد و فریاد
بزنید و مردم را علیه فساد و ستم برانگیزانید.

ثروت و انگیزه های جمع آوری آن

امام رضا علیه السلام فرمود: «لَا يَجْتَمِعُ الْمَالُ إِلَّا بِخِصَالِ خَمْسٍ: بِبِخْلِ شَدِيدٍ وَ أَمَلٍ طَوِيلٍ وَ حِرْصٍ غَالِبٍ وَ قَطِيعَةٍ أَرْحَمٍ وَ إِثَارِ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ»⁽¹⁾ مال جز با پنج خصلت در یک جا جمع نمی شود: بخل زیاد، آرزوی طولانی، حرص زیاد، قطع رحم و برگزیدن دنیا بر آخرت.

شرح: ثروت اندوزی بدون این که اموال در چرخه ی کار قرار گیرند، بزرگ ترین آفت جوامع به شمار می رود، در واقع نوعی آماس و بیماری است، ثروت، سرمایه کار و فعالیت و پیشرفت زندگی است اما برخی تصور می کنند سعادت و برآورده شدن آرزوی آنها تنها در اندوختن مال است در حالی که در کنار آنها افرادی نیازمند هستند که نیاز آنها با سرمایه ای جزئی همراه با کار و فعالیت برطرف می شود یا افراد فقیری هستند که با انفاق مشکل آنها حل می شود. دنیاطلبی، حرص و بخل از انگیزه های ثروت اندوزی است زیرا علاقه زیاد به مال و ثروت و لذت بردن از زرق و برق درهم و دینار باعث می شود انسان برای خود بتی به نام پول درست کند.

ثروت اندوزانی هستند که مال را به عنوان یک هدف می نگرند و حاضر نیستند نه تنها در منافع دیگران که حتی در منافع خود هزینه کنند، اینان در جمع آوری مال نهایت تلاش را به کار خواهند بست و چه بسا به هر وسیله از راه حلال یا حرام به دنبال آن خواهند رفت و به مرور زمان آن را نشانه ی عظمت و برتری

1- . حویزی، عبد علی بن جمعه، نور الثقلین، ج 5، ص 668، حدیث 7.

شخصیت خود بدانند در نتیجه روز به روز بر حرص آنها افزون تر می گردد. قرآن کریم به این افراد که ثروت اندوزند و در راه خدا انفاق نمی کنند وعده عذاب دردناک آتش جهنم داده است.⁽¹⁾

این افراد مال و ثروت دنیا را برای رفع نیازهای زندگی نمی خواهند بلکه به دنبال دنیاطلبی و آرزوهای دراز هستند، مال و ثروت اگر برای رفع نیازهای زندگی، در حد معتدل و از راه مشروع باشد نه تنها مذموم نیست بلکه مورد ستایش است و قرآن آن را فضل الهی می داند.⁽²⁾ چنین مالی نه طغیان آور است و نه مایه ی تفاخر. اما مالی که معبود انسان و هدف نهایی شود صاحبان آن مانند قارون هستند که ثروت روی هم انباشته می کنند و اموالشان سبب طغیانگری، مصیبت و دوری از خدا و در آخرت نیز نصیب آنها آتش دوزخ خواهد بود.

نکته مهم این است که ثروت اندوزی بر اثر برخی صفات و انگیزه های ناشایست شکل می گیرد که باید از آنها دوری جست. امام هشتم علیه السلام به مهم ترین آنها اشاره نموده اند:

1- بخل شدید

2 - آرزوی طولانی

3 - حرص غالب

4 - قطع رحم

5 - برگزیدن دنیا بر آخرت

1- . توبه / 34 و 35.

2- . عنكبوت / 17، جمعه / 10.

کمک به ناتوان

امام رضا علیه السلام فرمود: «عَوْنُكَ لِلضَّعِيفِ اَفْضَلُ مِنَ الصَّدَقَةِ»⁽¹⁾؛ کمک به ناتوان بهتر از صدقه دادن است.

شرح: هر جامعه ای دارای افراد متفاوت با ویژگی ها و استعداد های مختلفی است، برخی توانا، برخی ناتوان، برخی ثروتمند، برخی فقیر، برخی شجاع، برخی اهل بخشش، برخی بخیل و ... این اختلافات باعث می شود تا زمینه نیاز انسان به یکدیگر فراهم آید و باعث شود تا انسان ها با یکدیگر همکاری داشته باشند.

دین اسلام در تمام زمینه های مثبت دعوت به همکاری با یکدیگر می نماید و یکی از اصول کلی اسلام این است که مسلمانان موظفند در کارهای نیک یکدیگر را یاری رسانند و در برنامه های مفید و سازنده با هم تعاون و همکاری داشته باشند.

یکی از موارد همکاری که در روایت فوق آمده است کمک به ناتوان است و منظور ناتوانی مالی نیست زیرا حضرت مسأله ی صدقه را مطرح می کند که کمک کردن به ناتوان برتر از صدقه دادن است. در نتیجه ناتوانی جسمی، ناتوانی در برابر ستم ستمکار را نیز شامل می شود که انسان نباید با مشاهده ناتوانی ها تماشاگر افراد ناتوان باشد بلکه باید به یاری انسان ناتوان بشتابد، کسی که در راهی باز مانده است، کسی که ناتوانی جسمی دارد، کسی که مورد ستم واقع

شده و حق او پایمال گردیده، فرد فرد انسان ها در برابر اینان مسئول اند. البته
انسان به فردی که فقر مادی دارد نیز

1- . تحف العقول، ص 470.

مسئول است که به وی کمک مالی کند و صدقه بدهد اما کمک کردن به انسان ستمدیده و انسانی که از نظر جسمی توانایی ندارد برتر از کمک کردن و صدقه دادن به فقیر می باشد.

ره نیک مردان آزاده گیر چون استاده دست افتاده گیر

احکام و فلسفه آن

اشاره

فلسفه خواندن نماز

امام هشتم علیه السلام درباره فلسفه نماز فرمود: «لَإِنَّ فِي الصَّلَاةِ الْاِقْرَارَ بِالرُّبُوبِيَّةِ»⁽¹⁾. نماز اقرار به ربوبیت خداوند متعال است.

شرح: بسیاری از خود می پرسند ما چرا نماز می خوانیم و فلسفه خواندن نماز چیست؟ بدون تردید هیچ دستور و احکامی که از جانب خداوند صادر شده است بدون علت و فلسفه نیست، نماز نیز یکی از آنها است، نماز یکی از بهترین مصداق های پرستش است. هم پرستش قولی است و هم پرستش عملی. پرستش قولی است زیرا دارای اذکاری مانند قرائت حمد و سوره، ذکر رکوع و سجود و تسبیحات می باشد و پرستش عملی است زیرا دارای قیام، رکوع و سجود است، بنابراین پرستشی معنادار و باهدف است، انسان با نماز و پرستش حقیقت بلکه حقایقی را ابراز می دارد.

یکی از مهم ترین فلسفه های نماز، توجه به ابعاد معنوی آن و ارتباط با خداوند است، قرآن کریم یاد خدا را علت اقامه ی نماز می داند.⁽²⁾ نماز اقرار به خضوع و خشوع در برابر معبودی بی نظیر است، اقرار به توحید و یگانگی خدا، اقرار به مالک و صاحبی است که پرورش دهنده ی همه موجودات است و به اصطلاح قرآن، اقرار به «ربّ العالمین»⁽³⁾ است. امام هشتم علیه السلام در سخن فوق

به مهم ترین فلسفه نماز یعنی اقرار به ربوبیت اشاره می کند. با چنین اقراری
خط بطلان بر همه «ربّ النوع ها» و خدایان

1- . عیون اخبار الرضا علیه السلام ، ج 2، ص 110.

2- . می فرماید: «اقم الصلوه لذكری»، طه / 14.

3- . واژه «رب» به طور مطلق تنها بر خداوند اطلاق می شود و برای غیر خداوند به صورت
اضافه به کار می رود مانند «ربّ الدار» (صاحب خانه)، «ربّ السفینه» (صاحب کشتی). ر.ک:
راغب اصفهانی، مفردات، ماده ربّ.

باطل و بت هایی که به دروغ مورد پرستش قرار می گیرند کشیده می شود. جالب این که ما
مسلمانان در شبانه روز حداقل در نمازهای واجب ده بار به ربوبیت خداوند جهان آفرین اقرار می
کنیم تا بفهمیم هم خدای یگانه مالک و صاحب ما و همه ی موجودات است هم پرورش دهنده
آنهاست.

با دقت در ریزه کاری ها و ظرافت موجودات هستی چه جاندار و چه بی جان متوجه می شویم که پرورش دهنده این موجودات چه قدر عالم، حکیم و قدرتمند است، حرکت های زیبای ستارگان و سیارات که شب و روز و فصل های سال را تشکیل می دهند حیوان و انسانی که با یک نطفه پدید آمده، پرورش یافته و تبدیل به یک موجود زنده بسیار شگفت انگیز شده است، این تنها با تربیت حکیمانه امکان پذیر است موجود کوچکی مانند زنبور عسل دارای بال، چشم، پا، دست، دهان، نوع تغذیه و تولید بسیار زیبای عسل که شگفتی همه را برانگیخته است و موجودی مانند شتر با جسمی بزرگ دارای کوهان و ویژگی های جسمی خاص و توانایی های مخصوص به خود، موجودی مانند انسان که تمام ویژگی های جسمی و اعضای بدن وی و نیز تمام ویژگی های روحی، عاطفی و احساسات و غرایز او شگفت انگیز و ناشناخته است همه و همه به ما می فهماند تمام ذرات جهان هستی از ناحیه ی موجودی قدرتمند و آگاه تربیت می شود که آن خداوندی است که مالک و صاحب و پرورش دهنده ماست و در نماز است که اقرار می کنیم، همه ستایش ها از آن اوست، او پروردگار جهانیان است، بخشنده و مهربان نسبت به همه بندگان به ویژه مؤمنان است و او مالکیت مطلق در روز رستاخیز دارد، پس شایسته است که در برابر چنین خدایی سر کرنش فرود آوریم، تنها او را پرستیم و از او یاری بجوییم و این همان اقرار به ربوبیت است.

حکمت خواندن سوره حمد در هر نماز

امام رضا علیه السلام فرمود: «لَاِنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ فِي الْقُرْآنِ وَالْكَلَامِ جُمِعَ فِيهِ جَوَامِعُ الْخَيْرِ وَالْحِكْمَةِ مَا جُمِعَ فِي سُورَةِ الْحَمْدِ⁽¹⁾». زیرا هیچ چیزی در قرآن و سخنان دیگر که تمام خیر و حکمت در آن جمع شده باشد مانند آن چه در سوره حمد جمع شده باشد، نیست.

شرح: چرا در هر نماز باید سوره حمد بخوانیم و هیچ سوره ای دیگر جایگزین آن نمی شود؟ در روایت فوق به این پرسش پاسخ می دهد، توضیح این که این سوره در میان سوره های قرآن از نظر محتوا، آهنگ و تأثیر روحی و روانی درخشش فوق العاده ای دارد.

در روایات آمده است که سوره حمد اساس قرآن است (2)، همچنین آمده است که در هیچ کتاب آسمانی نظیر تورات، انجیل یا زبور مانند سوره حمد نازل نشده است.⁽³⁾

با نگاهی به هدف و محتوای سوره حمد روشن می شود که مهم ترین اهداف سوره های دیگر در این سوره آمده است و آن اثبات ربوبیت و عبودیت است که هدف اساسی قرآن نیز همین است⁽⁴⁾ و محتوای این سوره نیز خلاصه و فهرستی از مجموع قرآن است، بخشی از آن، مانند «رَبِّ الْعَالَمِينَ»، «رَحْمَن»، «رَحِيم» و درباره ی توحید و صفات خدا است و بخشی از آن (مالک یوم الدّین) مربوط به رستاخیز و بخشی دیگر درباره هدایت و ضلالت است و انسان را با راه راست یعنی راه نعمت داده شدگان

-
- 1- . عيون اخبار الرضا عليه السلام ، ج 2، ص 114
 - 2- . حويزى، نور الثقلين، ج 1، 3 و مجمع البيان، ج 1، 87.
 - 3- . طبرسى، مجمع البيان، ج 1، 87.
 - 4- . مجمع البيان، همان.

آشنا می سازد و راه های انحرافی یعنی راه مغضوبین و ضالین را مشخص می کند.

به همین جهت خداوند این سوره را با حجم کوچک خود در برابر تمام قرآن قرار داده است زیرا خداوند می فرماید: «ای پیامبر ما به تو «سبع المثانی» یعنی سوره حمد که هفت آیه است و قرآن داده ایم»⁽¹⁾.

ویژگی دیگر این سوره این که تبلوری از ارتباط بدون واسطه میان انسان و خدا است، جمله های زیبای آن مانند: «خدایا تنها تو را می پرستم و تنها از تو یاری می خواهم، ما را به راه راست هدایت نما» تعبیراتی است که انسان را به طور کامل به خدا نزدیک می کند، به ویژه این که به طور مکرر در شبانه روز انسان آن را تکرار نموده و رابطه خود را با خدا قوی تر می نماید.

این سوره اساساً با سوره های دیگر از نظر لحن و آهنگ، تفاوت روشنی دارد، زیرا سوره های دیگر همه به عنوان سخن خداست اما این سوره از زبان بندگان است و خداوند شیوه مناجات و سخن گفتن با خود را به بندگانش می آموزد،⁽²⁾ چرا که یک قسمت آن تا «مالک یوم الدین» مربوط به حمد و سپاس و صفات خداوند است تا بندگانش در آغاز خدا را بشناسند و پس از آن به مناجات با او بپردازند و قسمت دیگر که از «ایاک نعبد» تا آخر سوره است کاملاً مربوط به بنده و چگونگی سخن گفتن و مناجات با خداست، به همین جهت در روایات می خوانیم هر گاه بنده بگوید: «ایاک نعبد» خداوند می فرماید: این بین من و بنده

1- . تفسیر العیاشی، ج 1، 39 و 40 و بحرانی، سیدهاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، ج 1، 99 و

100، ج 1 و 3 و 5 و نیز رک: شیخ طوسی، محمدبن علی، التهذیب، ج 2، 289.

2- . رک: تفسیر نمونه، ج 1، ص 2.

من است که او هر چه از من می خواهد درخواست کند.
با توجه به مطالب فوق اهمیت سخن امام هشتم علیه السلام روشن می شود که
چگونه تمام خیر و حکمت در سوره حمد جمع شده است و در هیچ سوره و
کلامی دیگر این چنین نیست.

نکته دیگر آثاری است که با خواندن این سوره به دست می آید، تلاوت این
سوره با محتوای بزرگش، آثار زیر را در بردارد:

- 1- باعث نزدیکی انسان با خدا می شود.
- 2- روح ایمان را در انسان تقویت می کند.
- 3- باعث اتکا و اعتماد انسان به خدای یگانه می شود.
- 4- اراده انسان را نیرومند و تلاش او را برای اعمال صالح و امور دین بیشتر می کند.
- 5- میان گناه و انحراف فاصله می اندازد.

چرا ارث زن نصف مرد است؟

امام رضا علیه السلام فرمود: «عَلَيْهِ إِعْطَاءُ النِّسَاءِ نِصْفُ مَا يُعْطَى الرِّجَالِ مِنَ المِيرَاثِ لِأَنَّ المَرَأَةَ إِذَا تَزَوَّجَتْ أَخَذَتْ وَالرَّجُلُ يُعْطَى فَلذَلِكَ وَفَرَّ عَلَي الرِّجَالِ»⁽¹⁾. علت این که سهم زنان نصف سهم مردان از ارث است که زن هنگامی که ازدواج می کند مخارج و هزینه ی زندگی خود را می گیرد و مرد می پردازد و به همین علت سهم بیشتری به مردان داده شده است.

شرح: از نظر اسلام هر یک از زن و مرد ارث می برند اما ارث زن نصف ارث مرد است، اسلام این نظریه را در عصری مطرح کرده است که طبق سنت های جاهلی هیچ ارزشی برای زن قایل نبودند و زن به طور کلی از ارث محروم بود و هیچ گونه استقلالی نه از نظر اجتماعی و نه اقتصادی و نه سیاسی و ... نداشت، اسلام در ابعاد مختلف به زن ارزش داد و مسأله ارث زن و حقوق اقتصادی وی را مطرح کرد و به زن استقلال در مالکیت داد.

ارث زن اگر چه نصف مرد است اما با توجه به وظایفی که بر عهده مردان گذاشته شده است، نیمی از درآمد مردان صرف هزینه زنان می شود زیرا مرد باید هزینه زندگی همسر و فرزندان خود را تأمین کند، مسکن، پوشاک، خوراک و تهیه لوازم زندگی و مهریه ی زن بر عهده مرد است، این در حالی است که زنان از پرداخت هر گونه هزینه برای زندگی معاف و در مالکیت خود استقلال دارند. در نتیجه با ضرورت چنین مخارجی بر مرد بیش از نیمی از ثروت مردان در اختیار زنان قرار می گیرد ولی زن

1- . عیون اخبار الرضا علیه السلام ، ج 2، ص 105.

هم چنان ارث و ثروت های دیگر خود را می تواند نگهدارد و مالک آن باشد و هیچ هزینه ای نیز بر او نیست، در واقع این زن است که ثروت و ارث او دو برابر مردان می باشد زیرا سهم زن از نظر مصرف و بهره برداری دو برابر مردان است، هم ارث می گیرد و هم دیگری مخارجش را می دهد.

و علت این که نفقه و مهریه لزوماً بر عهده مرد گذاشته شده است به خاطر توانایی، روحیات اجتماعی، طبیعت جسمی و ملاحظات روحی و روانی خاص مرد و زن است. از یک طرف آفرینش، حمل فرزند را بر عهده ی زن و جنس ماده گذاشته و قدرت جسمانی زن نیز کمتر از مرد است. در نتیجه قدرت تولید و تحصیل ثروت در زن به طور طبیعی کمتر از مرد خواهد شد، افزون بر آن اگر مخارج زندگی لزوماً بر عهده ی زن باشد با قدرتی که مردان در تحصیل ثروت دارند زنان ناچارند برای به دست آوردن مخارج زندگی از مردانی بیگانه و سودجو پیروی نموده و به مشاغلی ناخواسته روی آورند و چه بسا به فساد و فحشاء کشیده شوند که این موجب تزلزل اساس خانواده خواهد شد.

با توجه به سخن امام هشتم علیه السلام درباره فلسفه ارث زن و روایات دیگری که از دیگر امامان معصوم علیهم السلام رسیده است روشن می شود که این پرسش از صدر اسلام در اذهان مردم بوده است و پیشوایان دینی ما غالباً به یک مضمون به این سؤال پاسخ داده اند و آن این که هزینه ی زندگی همسر و فرزندان و پرداخت مهریه بر عهده مرد گذاشته شده است به همین جهت سهم آنها نیز بیشتر قرار داده شده است.⁽¹⁾

1- . جهت اطلاعات بیشتر رک: المیزان، ج 4، 215 و 221 و تفسیر نمونه، ج 3، 290 و 291 و مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، ص 225-223.

شرط امر به معروف و نهی از منکر

امام رضا علیه السلام فرمود: «و الأمرُ بالمعروفِ وَ النَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاجِبَانِ إِذَا امْكُنَّ وَ لَمْ يَكُنْ خَيْفُهُ عَلَى النَّفْسِ»⁽¹⁾؛ امر به معروف و نهی از منکر دو واجب الهی است، در صورتی که ممکن باشد و ترس از ضرر جانی در آن نباشد.

شرح: جامعه مطلوب جامعه ای است که در آن نظارت و کنترل باشد، جامعه ای که بدون هدف در مسیر فساد حرکت کند، نتیجه اش تباهی و نابودی است، زیرا با رواج گناه و فساد منجر به تکذیب حقایق، گسترش باطل، جهالت، حاکمیت ظالمان و اهل باطل بر مردم خواهد شد. به همین جهت امر به معروف و نهی از منکر سبب کنترل جامعه، از گناه و فساد می شود و طبق آیات و روایات یکی از واجبات دینی جامعه اسلامی همین امر به معروف و نهی از منکر است. فرد فرد انسان ها در برابر این وظیفه الهی مسئولند و افراد نمی توانند در برابر مسائل جامعه خود بی تفاوت باشند، بی تفاوتی در برابر صحنه های آلوده، روح انسان را تاریک و زشتی گناه را در نظر انسان کم و چه بسا ممکن است شخص را به گناه عادت دهد، محیطی که آلوده باشد زندگی را بر خانواده ها تلخ می کند و چه بسا اعضای خانواده را به فساد مبتلا می کند.

طبق آیات و روایات امر به معروف و نهی از منکر یکی از واجبات دینی جامعه اسلامی است و باید گروهی با عنوان آمران به معروف و نهی کنندگان از منکر در جامعه به این امر

1- . عیون اخبار الرضا علیه السلام ، ج 2، 133، ب 35.

مهم پردازند، تا مردم را به نیکی ها دعوت و از بدی ها بازدارند. اگر این فریضه ی الهی انجام شود گناه و فساد کمتر و راهها امن می شود. علم و دانش گسترش پیدا می کند، جهل و نادانی از بین می رود، کسی به دیگری نمی تواند ظلم کند.

اما آیا هر کسی می تواند این کار را انجام دهد؟ پاسخ این است که خیر! کسانی که می خواهند امر به معروف و نهی از منکر کنند خود باید شرایط لازم را داشته باشند، و این فریضه الهی وقتی بر آنان واجب است که خود آگاه به معروف و منکر باشند، همچنین عامل به این دو نیز باشند و احتمال تأثیر در طرف مقابل نیز داده شود، در هر صورت باید زمینه و امکان آن وجود داشته باشد، و اگر محذوری پیش بیاید، بدین معنا که طرف مقابل با امر به معروف و ناهی از منکر درگیر شود، به نزاع، کشمکش و توهین منجر شود ضرر جانی و مالی برای او داشته باشد در این صورت واجب نیست.

به همین جهت امام هشتم علیه السلام امر به معروف و نهی از منکر را در صورتی واجب می داند که ممکن باشد و ضرر جانی نداشته باشد.

یادآوری این نکته ضروری می نماید امر به معروف و نهی از منکر دو مرحله دارد، یکی مرحله ی فردی که وظیفه عموم مردم است که هر کسی موظف است به تنهایی ناظر اعمال دیگران باشد و دیگری مرحله دسته جمعی که امتی موظفند برای پایان دادن آلودگی ها و نابسامانی های اجتماع دست به دست هم بدهند و با یکدیگر تشریک مساعی داشته باشند و چون این مرحله جنبه دسته جمعی دارد از وظایف و شئون حکومت اسلامی است تا گروهی را برای این کار مشخص کند.

فقر مانع ازدواج نیست

امام رضا علیه السلام فرمود: «إِذَا خَطَبَ إِلَيْكَ رَجُلٌ رَضِيَ دِينَهُ وَ خَلَقَهُ فَرَوَّجَهُ وَ لَا يَمْنَعُكَ فَقْرُهُ وَ فَاقْتُهُ»⁽¹⁾؛ وقتی مردی به خواستگاری می آید و اخلاقش رضایت بخش بود، دخترت را به ازدواج او در بیاور، فقر و نداری وی تو را از این کار منع نکند.

شرح: یکی از برنامه های تکاملی اسلام که در آیات قرآن و روایات بر آن تأکید شده است مسئله ی ازدواج است. یکی از مراحل مهم ازدواج انتخاب همسر شایسته است. در اسلام برای پایدار ماندن خانواده و زندگی بهتر پیش از تشکیل آن شرایطی برای هر یک از زن و مرد تعیین کرده است همان طور که زن باید عفیف، پاکدامن، باایمان و ... باشد مرد نیز باید دارای ایمان، تقوا، امانت داری، مبتلا نبودن به شراب خواری، فساد و ... باشد.

عده ای از مردم هنگام ازدواج دختر خود به دنبال این هستند که مرد دارای ثروت، شغل پردرآمد، خانه، ماشین مناسب و ... باشد. اما در روایت فوق امام رضا علیه السلام به دو شرط اساسی برای مرد اشاره می کند که دختران باید هنگام ازدواج با همسر دلخواه خود، این دو شرط را مد نظر داشته باشند: یکی دینداری و دیگری اخلاق نیک. مرد دیندار زندگی خود را بر اساس قوانین خوب و زیبای دینی اداره می کند، مرد دیندار به همسرش ستم نمی کند، غذای حرام در زندگی خود وارد نمی کند، خیانت نمی کند، همسرش را فریب نمی دهد، حقوق همسر خود بر اساس موازین دینی رعایت می کند، اما از آن جا که دینداری تنها کافی نیست

1- . بحارالانوار، ج 103، 372 و میزان الحکمه، ج 4، 280، حدیث 7850.

حضرت اشاره می فرماید: مرد زندگی باید اخلاق خوب نیز داشته باشد، چه بسا فردی دیندار باشد اما بد اخلاق باشد و این مرد برای زندگی خوب و همیشگی زجرآور خواهد بود.

حضرت به ثروت مرد اشاره ندارند بلکه به عکس می فرماید: اما اگر کسی فقیر بود فقر مانع انتخاب همسر دیندار نیست، زیرا فقر، با تلاش و کوشش در کسب و کار مرتفع می شود، بسیاری از مردها در آغاز زندگی امکانات کافی برای تشکیل یک زندگی مجهز ندارند اما به مرور زمان خداوند به زندگی افراد توسعه داده و از فضل و رحمت خودش انسان را بی نیاز می کند و در قرآن کریم وعده داده شده است که اگر کسی ازدواج کند به زندگی او توسعه داده می شود و امام هشتم علیه السلام آیاتی را گواه می آورد که خداوند از فضل خود به زندگی انسان توسعه می دهد. از جمله این آیه که می فرماید: «مردان و زنان بی همسر را همسر دهید، همچنین غلامان و کنیزان درستکار را، و اگر فقیر و تنگدست باشند خداوند از فضل خود آنان را بی نیاز می سازد، خداوند گشایش دهنده و آگاه است!»⁽¹⁾

این وعده ی الهی بدین معنا نیست که از طریق معجزه آنان را بی نیاز خواهد کرد بلکه آغاز زندگی مشترک دو جوان، چه بسا از طرف والدین، اقوام و خویشان و افراد نیکوکار کمک هایی به آنان خواهد رسید ولی برای ادامه ی زندگی باید تلاش و فعالیت های ملموسی برای زندگی خود داشته باشند تا افراد به خود تکیه نموده و نیاز به کمک دیگران نداشته باشند، زیرا اسلام سستی و تبلی در زندگی را دوست نمی دارد.

شراب منشأ فساد

امام رضا علیه السلام فرمود: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى حَرَّمَ الْخَمْرَ لِمَا فِيهَا مِنَ الْفَسَادِ وَبُطْلَانِ الْعُقُولِ فِي الْحَقَائِقِ وَذَهَابِ الْحَيَاءِ مِنَ الْوَجْهِ... وَهُوَ يُورِثُ مَعَ ذَلِكَ الْأَدَاءَ الدَّفِينَةَ»⁽¹⁾؛ خداوند شراب را حرام کرد برای آن که منشأ فساد اجتماعی است و عقل را از درک حقایق باز می‌دارد، حیا را از روی شرابخوار می‌برد و در مواجهه‌ی با آدم شرم نمی‌کند».

شرح: یکی از گناهان قطعی و محرمات در دین اسلام خوردن شراب است که در آیات و روایات به عنوان «خمر» آمده است، خمر در اصل به معنای پوشش است و در اصطلاح شرعی به هر مایع مست‌کننده‌ی خمر گفته می‌شود، خواه از انگور یا کشمش یا خرما یا چیز دیگر و از هر نوع مشروب الکلی باشد. به کار بردن واژه «خمر» برای مایع مست‌کننده به خاطر تناسب آن با معنای لغوی آن است زیرا شراب انسان را مست می‌کند و عقل را می‌پوشاند و نمی‌گذارد خوب و بد و زشت و زیبا از هم تشخیص داده شود. به طور کلی مشروبات الکلی زیانهای فراوانی دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

زیان رساندن به عمر انسان: طبق آمارهایی که از کشورهای غربی رسیده است حد متوسط عمر معتادان به الکل بین 30 تا 50 سال می‌باشد.

زیان اخلاقی: شخص الکلی با خوردن مشروبات الکلی عاطفه خانوادگی، محبت نسبت به همسر و فرزندان، تعاون و همکاری در

1- کافی، ج 6، ص 405 و مستدرک الوسائل، ج 3، ص 137 و مشابه این روایت در عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 105، حدیث 2 آمده است.

جامعه یا به طور کلی از بین می رود یا این ویژگی ها در او ضعیف می شود. زیان رساندن به نسل ها: انعقاد نطفه در حال مستی باعث انتقال عوارض الکلیسم و برخی بیماری های مزمن به فرزندان می شود و اگر زن و مرد هر دو مست باشند تا صد درصد عوارض و بیماری های حاد به فرزندان منتقل خواهد شد.

زیان اجتماعی: ضرب و جرح، سرقت ها و جرایم جنسی مربوط به الکلی ها بیش از دیگران می باشد.

زیان اقتصادی: خرید و فروش شراب اگر چه برای کمپانی ها و بسیاری از دولت های غربی سودهای هنگفت به همراه دارد اما خسارت های ناشی از آن بسیار زیادتر از این سودها است، مرگ جوانان، از بین رفتن مغزهای متفکر، اتلاف وقت، بیماری های روحی و روانی در اجتماع، فساد نسل ها، عقب افتادن فرهنگ و از بین رفتن معنویت و بزرگ ترین خسارت های انسانی و مالی را به دنبال خواهد داشت بلکه این خسارت ها با هیچ پولی قابل جبران نیست. خلاصه این که اگر درب نیمی از میخانه ها را ببندند می توان ضمانت کرد که از نیمی از بیمارستان ها و تیمارستان ها بی نیاز می شویم (1) و در واقع مشروبات الکلی سرمنشأ و اساس بسیاری از گناهان و فسادها می باشد.

با توجه به زیان های مطرح شده امام رضا علیه السلام به چند نکته اساسی که در واقع فلسفه حرام بودن شراب است و همین واقعیت هایی است که امروزه مشاهده می شود، اشاره می نماید: یکی این که مایه ی فساد اجتماعی است. دیگر این که عقلها را

1- .ر.ک: تفسیر نمونه، ج 2، 74-76.

از درک حقایق باز می‌دارد، حیاء و شرم از شرابخوار می‌رود و با وجود همه‌ی این فسادها، بیماری‌های مزمن در اعضای بدن وارد شده و پایدار می‌ماند.

فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

- 1- حر عاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، در احیاء التراث العربی، بی تا.
- 2- صدوق (ابن بابویه)، محمدبن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، انتشارات مکتبه الحیدریه، قم، ط اول، 1425 ه.ق.
- 3 - صدوق (ابن بابویه)، محمدبن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، مترجم علی اکبر غفاری و مستفید، دار الکتب الاسلامیه، تهران، چاپ اول، 1380 ه.ش.
- 4- طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، دارالمعرفه، بیروت، الطبعة الثانية، 1408 ق (1988 م).
- 5- طباطبائی، محمدحسین، المیزان، مؤسسه الاعلمی، بیروت.
- 6- العیاشی، محمدبن مسعود، تفسیر العیاشی، المکتبه العلمیه الاسلامیه، تهران، 1380 ه.ق.

- 7- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، مؤسسه الوفا، بیروت، لبنان.
- 8- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دار الکتب الاسلامیه.
- 9- مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن، انتشارات مدرسه الامام علی بن ابیطالب علیه السلام، چاپ پنجم، 1374 ش.
- 10- عطاردی، عزیزا...، مسند الامام الرضا علیه السلام، دار الصفوه، بیروت، الطبعه الثانيه، 1413 ق. (1993 م).
- 11- ری شهری، محمد محمدی، میزان الحکمه، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، 1403 ق.، 1362 ش.
- 12- شبّر، سیدعبدا...، اخلاق شبّر، ترجمه جباران، انتشارات هجرت، چاپ اول، 1374 ش.
- 13- مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، صدرا، 1365 ش.
- 14- مطهری، مرتضی، قیام و انقلاب مهدی به ضمیمه شهید، انتشارات صدرا، 1360 ش.

15- کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، 1365ش.

16- سید بن طاووس حسینی، علی بن موسی، اللهوف فی قتلی الطفوف، انتشارات الشریف الرضی، طالاولی 1371ش/1412ق

17- مصباح یزدی، محمدتقی، آموزش عقاید، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، 1360 ه.ش.

18- حرانی، علی بن شعبه، تحف العقول، مترجم محمدباقر کمره ای، کتابچی، تهران، 1380ش.

19- حویزی، محمدبن علی بن جمعه، نور الثقلین، المطبعه العلمیه، قم، 1383.

ص: 119

مجموعه کتاب های ره توشه:

آستان دوست

آیین محبت

باران فضیلت

برهان قاطع

پیروز حقیقی

جلوه وصال

حکایت آفتاب

خورشید شب

در دامان مهر

شرح بی نهایت

صحیفه ی صحت

نشانی بهشت

فهرست مطالب

4	مقدمه
9	پیشگفتار
10	دین و دین داری
10	ایمان
13	حقیقت ایمان
18	عمل بدون بینش
20	عقاید
20	توحید و شرک
24	شناخت آغاز پرستش
29	عبادت و تفکر
31	حسن ظن به خدا
33	پیامبران اولوالعزم <small>علیهم السلام</small>
46	طراوت قرآن
48	امامت سررشته دین
53	شناخت امامان
57	گریه بر امام حسین <small>علیه السلام</small>
60	سه روز هونناک
64	زندگی و خانواده
64	هدف و زندگی
68	برنامه های اساسی زندگی

70	تلاش برای زندگی
73	مهربانی با خانواده
76	نیکی به پدر و مادر
79	ارتباط با خویشاوندان
81	اخلاق
81	فروتنی
83	نیمی از عقل
84	دوست و دشمن
85	سه چیز مبعوض خداوند
88	طرح دوستی و برادری
90	حیا و شرم
92	اندوه زدایی از قلب ها
94	گناه پنهان و آشکار
96	شرط مسلمان بودن
98	سپاسگزاری در برابر دیگران
99	نظافت و آراستگی
101	سکوت مهرآور
103	ثروت و انگیزه های جمع آوری آن
106	کمک به ناتوان
109	احکام و فلسفه آن
109	فلسفه خواندن نماز
112	حکمت خواندن سوره حمد در هر نماز

116.....	چرا ارث زن نصف مرد است؟
118.....	شرط امر به معروف و نهی از منکر
120.....	فقر مانع ازدواج نیست
122.....	شراب منشأ فساد
129.....	فهرست مطالب